

سرنوشت انقلاب با سرنوشت پیگیرترین و اصیل ترین انقلابیون ایران گره خورده است

بیش از ده هزار توده‌ای در سیاهچالهای چ ۱۰۱۰ به سر می‌برند. بسیاری از آنان تا کنون زیر شکنجه‌های دد-منشانه کارگزاران امپریالیسم و متحدان داخلی از پای درآمد ماند. جلادان سرمایه و ارتجاع، آشکارا ساطور خوش را برای قتل عمام‌اعضا و هواداران حزب تیز کرد ماند و می‌کنند. کارزار انقلابی برای نجات جان توده‌های در بند، در مقیاس بین‌المللی گسترش می‌یابد. صرف نظر از آنکه فشار افکار عمومی ایران و جهان، چنین انتقام‌گیری خونین و افسار گسیخته‌ای را از انقلاب و پی‌گیرترین مدافعان آن در کجا متوقف کند، این پرسش باقی می‌ماند که توده‌های این بهای گزاف را در برابر چه سودی برای انقلاب و مردم ایران پرداخته‌اند و این ایثار سترگ، چه ثمری برای انقلاب مردم به بار آورده است؟

انقلاب، دستاورد زرفش آگاهی توده‌هاست

انقلاب بهمن ماه مردم ایران - چون هر انقلاب دیگری - دستاورد زرفش آگاهی توده‌ها و تبدیل آن به نیروی بقیه در صفحه ۲

راه توده

شهره‌مادان حیدرآباد ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۸ آذر ۱۳۶۲ مطابق
۹ دسامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۷۱
پهنا ۴۰ سانتی‌متر

”محاكمة“ توده‌ای هادر بیدادگاه‌های نظامی، پشت درهای بسته ...

مردم مترقی جهان بر بانی دادگاه‌های فرمایشی و خالی از اغیار توده‌ای هارا محکوم می‌کنند! اولین جلسات ”بیدادگاه“ های چ ۱۰۱۰، روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر تشکیل شد. این دادگاه‌های فرمایشی که از هیئت‌میزان و معیاری تبعیت نمی‌کند و بر اساس ”مدارک“ و ”شواهد“ سیا ساخته و ارتجاع برداخته استوار شده، پدیدون خضر خبرنگاران

وکلای مدافع ”متهمین“ و نمایندگان برگزیده و شخصیت‌های حقوقی جهانی که تمامی افکار عمومی بین‌المللی بر حضور آنان پافشاری کرده‌اند، در ”محاکم نظامی“ برگزار می‌شود. از ابتدای دستگیری توده‌های مدافع بقیه در صفحه ۱۵

بودجه سال نو: نه استقلال، نه رفاه!

پیش‌سوی وابستگی بیشتر به امپریالیسم و فقر روزافزون زحمتکشان دولت راستگرایان و تسلیم شدن به امپریالیسم و ارتجاع، بودجه سال ۱۳۶۳ را به مجلس شورا برده است. بودجه سال نو، به گفته نخست‌وزیر ”برنامه یک ساله کشور، در قالب برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی چ ۱۰۱۰ است.“ (سخنرانی نخست‌وزیر در مجلس - جمهوری اسلامی - آذر ۶۲) برنامه پنج ساله اول، چنانکه پیش از این به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است (راه توده - شماره ۵۹) برنامه احیا و ترمیم و نو سازی نظام کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم است. بودجه سال نو، در این راستا از چهارچوب برنامه پنج ساله نیز در می‌گذرد. آقای بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه می‌گوید:

”ماهیت تنظیم بودجه در این است که در برنامه صرف نظر هم می‌شود سال به سال و تخییراتی هم می‌شود.“ (راد یو ایران - آذر ۶۲)

نگاهی گذرا به بودجه سال نو، بیانگر آنست که این تخییرات جز به زیان مردم، و به سود سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ صورت نگرفته است. نخست‌وزیر ادعا می‌کند:

”دولت خدمت‌گزار ... قویا معتقد است که در شرایط کنونی ... باید میان استقلال و رفاه یکی را انتخاب کرد!“

تکلیف رفاه زحمتکشان روشن است: همه وظیفه داریم که رفاه طلبی را تشویق نکنیم! اما سخن گفتن از سمت‌گیری استقلال طلبانه سیاست بقیه در صفحه ۱۴

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان اوین، کابوس بازداشتگاه‌های مرگ هیتلری رادراذهان مردم جهان زنده کرده است

نظری به تاریخ سرکوبهای حزب توده ایران و علل آن

از بد و تشکیل و آغاز نبرد افتخار آفرین حزب توده ایران در راه تأمین منافع طبقه کارگر ایران و زحمتکشان شهر و روستا، دشمنان سوگند خورده مردم ایران و خدمه سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ارتجاع و امپریالیسم، همواره

ماهیت طبقاتی و خصلت کارگری و خلقی حزب ما را آماج اتهامات ناجوانمردانه خود قرار دادند و کوشیدند تا سیمای مردمی آن را در گونه جلوه دهند. بقیه در صفحه ۴

احزاب، سازمانها و جمعیت‌های مردمی و دمکراتیک جهان: خطر اعدام، خان توده‌های در بند را تهدید می‌کند!

باید ارباد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

سرنوشت انقلاب با سرنوشت پیگیرترین و اصیل ترین انقلابیون ایران گره خورده است

بقیه از صفحه ۱

مادی ویرانگر و سازنده بود. ویژگی انقلاب بهمین آن بود که به دلایل کوتاهگون تاریخی اکثریت آن توده میلیونی ای که رژیم مستم شاهسی را سرنگون کرد، جز تصویری مبهم از آماج های اساسی انقلاب، تصویر دیگری در ذهن نداشتست. اهداف، منافع و سیاست های نمایندگان طبقات مختلف را چندان نمی شناخت و در سازمان های صنفی و سیاسی خود متشکل نبود. در این شرایط، انقلاب بهمین جز با تعمیمی آگاهی و افزایش سطح سازمان یافتگی زحمتکشان نمی توانست به پیروزی های بازگشت ناپذیر دست یابد.

اما ژرفش آگاهی و سازماندهی توده های میلیونی، که برای نخستین بار در صحنه مبارزه سیاسی حضور می یافتند، کاری سترگ و نیازمند به تدارکات عظیم سازمانی و سیاسی علمی و انقلابی پس بود. آگاهی توده ها، به ویژه در جریان انقلاب، نه با آهنگ تند و پرسوز و گداز شعارهای گروه کوچک روشنفکران انقلابی، بلکه به انگای تجربه عینی خودشان، و همگام با تجربه آموزشی کم و بیش کنند، اما استوار و قاطع مردم افزایش می یابد. برای سازمان دادن و هدایت این تحول سرنوشت ساز وجود سازمان های نیرومند و گسترده ای که با توده ها و مبارزه علمی و روزمره آنان پیوند دارند، و از نظر سیاسی نیز هم گام با دانش سیاسی و طبقاتی دم افروزون مردم گام بر می دارند، ضرور است. بهمین آیین تنها راه تحکیم و تثبیت و گسترش و بازگشت نا پذیر کردن دستاوردهای انقلاب، پیش از هر چیز، نیازمند ایثارگری همه جانبه گردان همای پیشاهنگ انقلابیون ایران بود.

جامعه انقلابی ما، حتی پس از پیروزی انقلاب بهمین، هرگز میدان امنی برای انقلابیون نبود. از فردای پیروزی انقلاب روشن بود، که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی، و متحدان امروز و فردای آنان، نگاه این انقلاب شکوهمند را بر مردم ایران نخواهند بخشید، و به ویژه اصیل ترین انقلابیون ایران، که حساس ترین نقش را در تدارک پیروزی نهایی و بازگشت ناپذیر انقلاب به عهده می گیرند، آماج کینه و انتقام جویی ددمنشانه آنان قرار خواهند گرفت. حزب توده ایران دوره نوین فعالیت انقلابی خویش را در چنین شرایطی آغاز کرد و چنانکه شایسته حزب طبقه کارگر ایران است، تمامی نیروی خویش را ایثار گرانه، در جهت تحکیم و گسترش انقلاب مردم ایران صرف کرد.

نقش سیاسی منحصر به فردی که حزب توده ایران در جریان بسط و اعتلای انقلاب بهمین ایفا کرد، برکسی پوشیده نیست. دقت و اصولیت علمی و انقلابی مشی حزب توده ایران، اتحاد و مبارزه، و پایداری و پیگیری و استواری اعضا و هواداران حزب، به زودی موجب آن شد که

مجموعه حزب، هم چون وزنه سنگینی در جهت ژرفش آگاهی توده ها و رهبران گردان های مختلف انقلابی و تحکیم و تثبیت و پیشبرد دستاوردهای انقلاب عمل کند، اما پیگیر حزب حتی در خاطر انگیز ترین روزهای پیشری انقلاب لحظه ای از گزند دشمنان رنگارنگ و خرد و کلان انقلاب در امان نماند. راست گسرایسان، انحصار طلبان و قشرین تنگ نظر و جاهل، لحظه ای از خط و نشان کشیدن برای حزب و آنجا که دشمنان می رسید، وارد آوردن ضربه های کین توزانه بر آن فرو گذار نمی کردند. در این دوره نیز صدها تن از اعضای حزب به زندان افتادند، تنی چند از آنان، بی گناه تیرباران شدند، و اکثر آنان هنوز در سیاهچالهای ج ۱۰، به سر می برند. حتی شهدای حزب که در جنگ برای دفاع از میهن انقلابی شهید شده بودند، از حق به خاک سپرده شدن در گورستانهای عمومی محروم ماندند. در آن زمان نیز، بسیار بودند کسانی که از سر نیکخواهی ما را نصیحت می کردند که درد فاجع از انقلاب چندان تند نرویم، تا در فردای شکست انقلاب دچار عواقب آن نشویم. اما برای تحقق امکان عینی پیروزی نهایی انقلاب بهمین راهی جز این نبود، و انقلابی راستین رفیق نیمه راه مردم نیست. روزنامه مردم می نوشت:

"واقعیات تاریخی حاکی از آنند که همواره این کمونیست ها بود مانند که در لحظه چرخش سیاست متحدان خویش، از دوستان نیمه راه ضربه خورد مانند. نمونه چپس پس از منویات سن ۰۰۰، نمونه مصر انورسادات، سودان جعفر نمیری، و عراق صدام حسین شتی از خوراند. سیاست همکاری کمونیست ها با دیگر نیروهای خلقی و انقلابی، همواره آنان را در معرض قربانی شدن در نخستین حمله ارتجاع قرار داده است. با این همه کمونیست ها، که این سیاست را جز به سود خلق نمی دانند، پذیرفته اند که سرنوشت انقلاب با سرنوشت آنان گره بخورد و در سراغاز شکست هر انقلابی، آنها پیشاپیش خلق قربانی شوند." (نامه مردم - شماره ۵۰۲) چنین بود که حزب ما، نبرد تاریخی و حماسی خویش را در حالی که حلقه محاصره دشمنان بر گرد آگوش دم به دم تنگ تر می شد، آخرین لحظه، تازمانی که هنوز امکان عینی - هر چند محدود - برای پیروزی انقلاب وجود داشت، ادامه داد. و کینه و نفرت اهریمنی دشمنان انقلاب و دوستان امپریالیسم و مدافعان کلان - سرمایه داری و بزرگ مالکی را به جان خرید، تا به یاری تجربه آموزشی روزمره توده ها، پیسرروزی نهایی انقلاب بهمین را تدارک ببیند.

ساده اندیشی است اگر تصور شود، که با سرکوب حزب توده ایران، این نقش خاتمه یافته است. آنان که آگاهانه این مضمون را تبلیغ

می کنند، جز هم صدائی شرم آور با جلادان رژیم کاری انجام نمی دهند. روند تجربه آموزی همیشگی توده ها، به کمک افشاگری و روشن گری رژیم سرکوب توده های ما، هم چنان ادامه دارد و جریان سرکوب حزب توده ایران خود فرازی از این روند تعیین کننده است.

یورش به حزب توده ایران نقطه عطفی در تجربه آموزشی توده ها

محتوای اصلی سیاست "اتحاد و مبارزه" حزب توده ایران در دوره اعتلای انقلاب، ژرفش آگاهی توده ها و افزایش سطح سازمان یافتگی زحمتکشان، به انگای مبارزه روزمره و تجربه عینی خود آنان، و به کمک افشاگری و روشن گری همیشگی حزب بود.

این سیاست در عین حال هم چون پیک منبج فشار دائمی به رهبران مردم عمل می کند. این رهبران ناگزیر بودند، یا در راستای تحقق آماج های انقلاب پیش بروند و به تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب پاری برسانند، و یا از این آماج ها سر برگردانند و پایگاه توده های خویش را از دست بدهند.

دقت و اصولیت مشی حزب توده ایران تا بدانجا بود، که امپریالیسم و ارتجاع و متحدان نوین آنها، جز با سرکوب انقلاب قادر به سرکوب حزب توده ایران متحد نبودند. این امر، که ناشی از حقایق حزب ما و انگای ما به حقیقت و به منافع زحمتکشان است، امروز نیز بزرگترین سرچشمه نیروی لایزال، و بزرگترین سرچشمه نشر آگاهی انقلابی به انگای تجربه عینی توده ها است.

در میهن انقلابی ما امروز کمتر زن و مرد زحمتکشی است که در دوران اعتلای انقلاب، در میان بستگان و دوستان و همکاران خویش، یک یا چند توده های را نشناخته باشد، و به چشم خویش شاهد اصولیت، منانت، شجاعت و استواری و وفاداری توده های ما به آرمان های مردم نبوده باشد. زحمتکشان ایران، امروز به چشم خویش می بینند که چگونه یک بار دیگر سرچشمی از خواست های مردم، و تن دادن به مطامع امپریالیسم و ارتجاع، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سنگ تمام گذاردن در سرکوب و اختناق، با سرکوب اعضا و رهبران حزب توده ایران آغاز شده است.

این تجربه عینی توده های میلیونی در تار و پود یافت آگاهی و سنن مبارزاتی مردم ایسران جوش می خورد و سنگ پایه اعتلای نوین جنبش می شود. شکست جنبش ملی شدن نفت همراه با زندان و شکنجه و تیرباران ۴۵۰۰ توده های، تجربه اجتماعی شگرفی بود، که به اعتلای مشی سابقه جنبش انقلابی و پیروزی انقلاب بهمین نقطه در صحنه ۱۵

احزاب، سازمانها و جمعیت های مرفقی و دمکراتیک جهان:

خطر اعدام، جان توده ای های دربند را تهدید می کند!

آمریکا

روز ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) بنا به دعوت " کمیته دفاع از زندانیان توده ای " مجلسهای به منظور همبستگی با زندانیان و افشای جنایات حکومت ج ۱۰۱۰، در شهر ساکرامنتو واقع در شمال کالیفرنیا، برگزار گردید. در این جلسه تحلیل جامعی از آخرین تحولات ایران ارائه گردید، که طی آن سیاست راستگرای حکومت و سرکوب نیروهای هوادار انقلاب و به ویژه حزب توده ایران تشریح شد و پایمال نمودن مواد مرفقی قانون اساسی از طرف حکومت، در رابطه با گشودن راه برای نفوذ مجدد سرمایه های خارجی به ایران و چراغ سبز نشان دادن به امپریالیستها، که این مطلب را با وجد و شعف فراوان، در کنفرانس " ویلیامزبرگ " پذیرفتند، ارزیابی گردید.

طی این تحلیل، هم چنین نشان داده شد، که چگونه دوستان واقعی انقلاب ایران، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش های آزادی بخش ملی و طبقه کارگر و مردم مرفقی کشورهای سرمایه داری در سراسر جهان، با نگرانی این وقایع را دنبال می کنند و همبستگی بین المللی با قربانیان درجه اول این سیاست، یعنی توده های، این هواداران راستین منافع زحمتکشان و انقلاب ایران، چه ابعاد وسیعی کسب کرده است.

پس از آن، جلسه ضمن محکم نمودن سیاست تجاوز کارانه و توسعه طلبانه آمریکا در جهان و از جمله در خاور میانه و آنچه که جلادان دست-

آموز " سیا " در سیاه چالهای پیچ ۱۰ بر سر کمونیست ها و دمکرات ها می آورند، به اتفاق آراء، خواستار وسعت بخشیدن به اقدامات، جهت نجات ایمن مبارزین از زندان ها و اعزام هیاتی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، به منظور بازدید از زندانیان و بررسی وضع آنان و نیز برگزاری دادگاههای علنی برای کلیه مبارزین راه صلح و آزادی کشور ما، با حضور ناظرین بین المللی گردید.

اسپانیا

" کمیته همبستگی با زندانیان دمکرات در ایران "، با شرکت جمعی از برجسته ترین شخصیت های علمی، ادبی، سیاسی و فرهنگی استان کاتالونیا در شهر بارسلن تشکیل و برپایه



۳- کوشش برای وادار نمودن حاکمیت ایران به انتشار لیست اسامی این زندانیان
 ۴- مبارزه در راه جلب هر چه بیشتر هم - بستگی مردم آزادی خواه اسپانیا با خانواده زندانیان دمکرات در ایران

● واحد " جنبش مراکش برای اهداف انقلابی " در کاتالونیا، ضمن ارسال نامه ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، خواستار آزادی فوری کلیه زندانیان توده ای، قطع شکنجه های بربرمنشانه در مورد آنان و رفع تظلمات از حزب توده ایران گردیده است.

● موند و اوبرو، ارگان رسمی حزب کمونیست اسپانیا، در تاریخ اول دسامبر (۱۰ آذر ماه) در مقاله ای سیاست کنونی حکومت ایران چرخش به راست و حراست از منافع سرمایه داران و بزرگ مالکان و در این زمینه ادامه جنگ فرسایشی و پوشاندن آن تحت شعارهایی از قبیل " جنگ، جنگ تا پیروزی! " بررسی گردیده و بر پایه آن، علل حمله به حزب توده ایران و شکنجه و آزار هزاران تن از اعضای آن که مدتهاست در زندانهای ج ۱۰ به سر می برند، و هم زمان، سرکوب هر گونه ندای حق طلبانه کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش، تشریح شده است.

آلمان فدرال

آخن

بنا به دعوت " اتحادیه دانشجو و یسان سوسیالیست " آخن، در تاریخ ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان)، جلسه ای توضیحی در رابطه با مسائل منطقه و ایران برگزار گردید، که در آن اعضای " اتحادیه " و عده ای از شخصیت های سیاسی شهر حضور داشتند.
 در این جلسه، نظریات حزب توده ایران در مورد وقایع ایران و منطقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به ویژه مسأله بازداشت و شکنجه بقیه در صفحه ۱۱

اهداف زیر آغاز به کار نمود:
 ۱- تلاش در جهت اعزام هیاتی مرکب از وکلای پزشکان اسپانیایی به ایران، جهت بازدید از زندانیان سیاسی دمکرات در ایران و بررسی چگونگی وضع آنان
 ۲- تلاش در راه وادار نمودن حاکمیت ج ۱۰۱۰، به رعایت حقوق زندانیان سیاسی این کشور

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

نظری به تاریخ سرکوبهای حزب توده ایران و علل آن

از تاریخ عمومی مبارزات خلق های میهن مسا را در بر می گیرد .

دومین یورش

در طول سال های جنگ جهانی دوم ، حزب توده ایران عمده ترین نیروی سیاسی ای بود ، که پارشد گرایشها و تمایلات فاشیستی در جامعه به مبارزه برخاست ؛ و از این رو نیز ، سازمان ها ، دفاتر و ارگانهای آن - سه دفعات - مورد حمله و هجوم گروهکهای فاشیستی قرار گرفت .

پایان جنگ دوم جهانی در ایران ، با اوچگیری جنبش ملی در کردستان و آذربایجان مصادف بود .

جنبش مسلحانه آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ که به پیروزی سریع جنبش انجامید ، انعکاس یک ضرورت تاریخی بود . یک سال حکومت انقلابی در آذربایجان ، پیروزی عظیمی

به مسئله حاد جامعه بدل شده بود ، حزب توانست با گسترش مبارزات پی گیر خود در دفاع از خواست های حق طلبانه خلقهایمان ، پایگاه گسترده ای در میان توده مردم به دست آورد . رشد مجدد حزب ، پس از شکست انقلاب آذربایجان و کردستان و نفوذ اندیشه های آن در میان مردم درست در زمانی ، که مبارزات خلق های ما برای خلع ید از استعمار انگلیس اوج می گرفت ، باعث شده که امپریالیسم و ارتجاع ، در صد دسر - کوب مجدد حزب برآیند . ترور شاه معدوم در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ، برای هجوم دوباره به حزب توده ایران به دستاویزی بدل شد . اجامس و اویاش و پلیس و مأمورین رکن دو ، سازمانهای حزب را در هم کوبیدند و تابلوهای کلوب هارا - هر جا که باقی مانده بود - پائین کشیدند و ضرب و شتم و دستگیری و تبعید و شکنجه اعضا

بقیه از صفحه ۱
امروز نیز ، شریف ترین میهن دوستان ایران ، توده ما یها ، فدائیان . (اکثریت) و همه انسان های شریفی که علیه شاه و دژخیماناش ، بی امن رزمیدند و در این راه هزاران سال زندان و تبعید به جان خریدند و صدها شهید به پیشگاه خلق تقدیم داشتند ، مورد کین توزانه ترین یورش ها و حملات ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفتند . سرکوب حزب توده ایران هیچگاه آن نتایج مطلوبی را که دشمنان مردم ایران ، آرزو داشتند ، به بار نیآورده ، زیرا این جریان نیرومند انقلابی که ریشه در کار و دانش دارد ، از ضرورت های تاریخی عینی جامعه ما سرچشمه می گیرد ؛ زیرا تنها برنامه و آماجهای انقلابی آن است که پاسخگوی واقعی نیازها و خواست های مردم ماست .

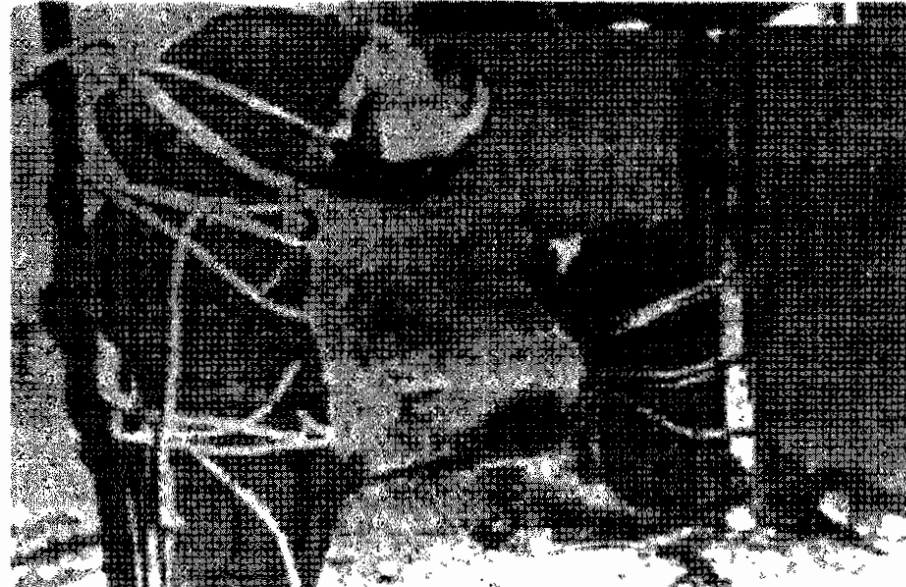
بر پایه همین واقعیت باید گفت این بار نیز ، یورش ارتجاع ، حتی از نوع " اسلامی " آن راه به جایی نخواهد برد . گواه این مدعا ، تجربه پیش از ۷۰ سال جنبش کمونیستی کارگری و ۴۲ سال تاریخ پر افتخار حزب توده ایران است ، که پس از هر سرکوب با قامتی افراشته تر پرچم خونین جنبش خلق را بر دوش گرفته و مشعل راهنمای پیشتازان انقلابی شده است .

به این تاریخ غرور آفرین ، نظری بیفکنیم :

اولین یورش و سرانجام آن

سرکوب جنبش انقلابی جنگل ، با به قدرت رسیدن رضا خان هم زمان بود . رضا خان که با صحنه گردانی امپریالیسم انگلستان سرانجام به سلطنت رسید ، در ادامه قلع و قمع جنبش انقلابی و ضرباتی که بر حزب کمونیست ایران وارد آ و رد ، سرانجام با استناد به قانون سیاه ضد کمونیستی ۱۳۱۰ ، آخرین سازمانهای حزب کمونیست را سرکوب کرد . (امیر انتظام جاسوس سر سپرده آمریکا و سخنگوی دولت موقت بااستناد همین قانون حزب توده ایران را هم چنان غیر قانونی می دانست)

اما غرض قهرمانانه دکتر ارانی ، آموزگار کارگران و زحمتکشان ایران هنوز خاموش نشده بود که ، بساط دیکتاتوری وابسته رضا خانسی فرو ریخت و شاگردان و هم زمان دکتر ارانی ، حزب توده ایران را به مثابه ادامه دهنده پی گیر سنن پر افتخار حزب کمونیست ایران بنا نهادند . تشکیل حزب توده ایران ، حزب طراز نویسن طبقه کارگر ایران ، تأثیر عمیقی در راستای ترغیب و گسترش جنبش رهائی بخش مردم ما نهاد نقش رهبری کننده سیاسی و ایدئولوژیک حزب توده ایران ، و الگوی سازماندهی انقلابی آن آنچنان با یافت جنبش رهایی بخش ملی میهن ما پیوند خورد ، که سیل خروشان حوادث خونین ، نتوانست آثار آن را از صحنه زندگی مردم ایران زایل کند ؛ تا آنجا که تاریخ فعالیت چهل و دو ساله حزب توده ایران ، بخش مهمی



و هواداران حزب ما در سراسر کشور " قانونی " اعلام شد و به مرحله اجرا درآمد . دو روز پس از ۱۵ بهمن و غیر قانونی شدن حزب توده ایران ، مذاکرات پنهانی نفت بیسن ایران و انگلیس آغاز شد . نتیجه این مذاکرات لایحهای بود ، که به نام لایحه الحاقی گس - گلشائیان معروف است . این لایحه چیزی جز تأیید و تمدید مدت قرارداد استعماری ۱۹۳۳ نبود .

سرکوب حزب توده ایران ، پیش درآمد حراج منافع خلق بود .

به دستور مقامات دولتی ، تعداد زیادی از رهبران و فعالین حزب دستگیر و تبعید شدند ؛ عضویت در حزب جرم شناخته شد ؛ مطبوعات حزبی به طور کامل تعطیل شدند ؛ سازمان های کارگری و همه سازمان های توده ای منحل گردیدند و فعالین آنها تحت پی گرد قرار گرفتند . ارتجاع امید وار بود ، که بر اثر این فشارها ، فعالیت حزب

بود که نه تنها ارکان موجودیت ارتجاع ایران و دستگاه سلطنت را لرزاند ، بلکه امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی را نیز دچار وحشت و غضب مرگباری کرد . از این رو ، تمام نیروهای سیاه اهریمنی داخلی و خارجی ارتجاع در مقابل این انقلاب ، صف متحدی را تشکیل دادند .

انتقامی که ارتجاع به جرم یک سال کوتاه شدن دستش از حاکمیت این دو استان ، از مردم کشید سخت و خونین بود . ارتجاع محمد رضا شاهی سبیت بی سابقه ای در سرکوب مردم آذربایجان و کردستان از خود نشان داد ؛ سازمان های حزب در سراسر کشور زیر ضربه قرار گرفتند ؛ محافل امپریالیستی نخستین انشعاب در حزب توده ایران را سازمان دادند ؛ اما دیری نگذشت که حزب به سرعت صفوف خود را تنظیم کرد و به استقبال نبردهای تازه شتافت .

یورش سوم

در روزهایی که مبارزه با شرکت نفت انگلیس ،

نظری به تاریخ

بقیه از صفحه ۴

برای همیشه متوقف گردد و یا اینکه حزب به پیک گروه کوچک غیر فعال بدل شود . اما همه ایسن " پیش‌بینی‌ها " - مانند همیشه - فقط از آب در آمد: حزب استوار باقی ماند و توانست بلافاصله پس از ۱۵ بهمن ، سازماندهی مخفی خود را آغاز کند و با موفقیت پیش‌برد . نخستین اعلامیه های حزبی در بهار ۱۳۲۸ انتشار یافت و از دهم مهرماه همین سال ، انتشار منظم روزنامه " مردم ارگان مرکزی حزب آغاز شد .

در ۱۸ اسفند ۱۳۲۷ تا اردیبهشت ۱۳۲۸ ، دادگاه رهبران حزب توده " ایران آفاز گردید و آنها علت هجوم به حزب را چنین بیان داشتند :

" جرم ما اینست که ملت ایران را از ایسن غارتگری راهزنان قرن بیستم آگاه ساختیم . " " جرم ما اینست که طبع چپاول ثروت ملی به دست استعمار چیان قدهلم کردیم " .

یورش چهارم

با وجگیری جنبش ملی شدن نفت ، حزب توده ایران با تمام توان در صفوف مقدم مردم ، واردنبرد شد . نقش افشاگرانه ، بسیج کننده و سازمان دهنده حزب در تعمیق جنبش دم بسه دم افزایش یافت . اعضا و هواداران حزب توده ایران و به ویژه افسران و نظامیان تودهای نقش ویژه ای در پیروزی قیام سی تیر ایفا کردند .

پار دیگر ، امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی ، با گردآوری همه نیروها و با یاری گرفتن از سازشکاری ها و معاشرتگری های نیروهای رهبری کننده انقلاب ، سرکوب جنبش را آغاز کردند .

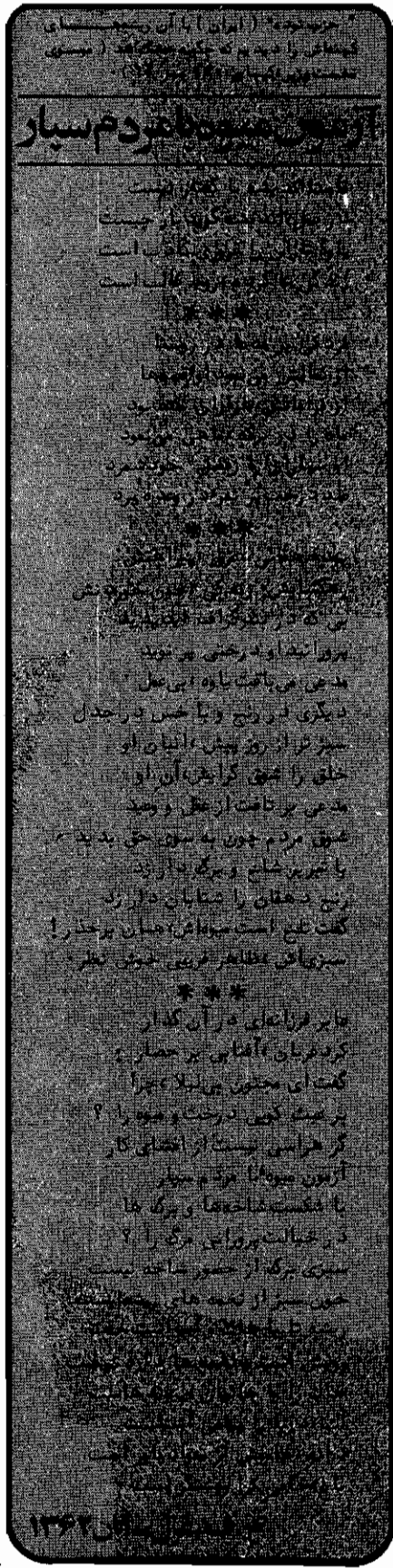
پس از تسلط مجدد امپریالیسم و ارتجاع بر میهن ما ، به دنبال کودتای خائنه ۲۸ مرداد و سرکوب حقوق و آزادی های دموکراتیک این پسر نیز ، مانند همیشه قلب تودهای آماج نخستین گلوله های ارتجاع قرار گرفت .

دیری نپائید که - در تابستان سال ۱۳۳۳ - مجلس لایحه تاراج نفت را ، تحت عنوان ماده واحد های ، به وسیله امینی به شور گذاشت . حکومت کودتا برای اینکه از بروز هر گونه مخالفتی جلوگیری کند مردم را مرعوب سازد ، اولین گروه افسران تودهای را به چوبه اعدام بست . گام های بعدی که در جهت تثبیت منافع امپریالیسم برداشته شده ، اعدام های گروهی دیگر را به دنبال آورد .

شاه معدوم ، دسته دسته تودهایها را بسه اتهام " میهن فروشی و جاسوسی " به جوخه های اعدام سپرد تا بتواند میهن ما را به جولانگاه انحصارات امپریالیستی بدل سازد .

تاریخ حزب توده ایران ، در سال های بعد از کودتا ، سرگذشت رنج و درد و شکنجه و اعدام و زندگی در تبعید است . بیش از ۴۵۰۰ نفر از اعضا و هواداران حزب دستگیر شدند تا

فارتگران مردم بیشتر و آسان تر از گذشته ، منابع و ثروت های میهن ما را به چپاول برند . لکه های خون تودهایها بر شکنجه گاههای قزل قلعه ، اوین و زندان های برازجان و شیراز و ... گواهان این قصه رنج اند . اما فریب غرور آفرین بانگ تودهایها ، درپای چوبه های اعدام و در سیاهچالهای ستم شاهی دمی



خاموش نشد و فرش آن پاییمهای حکومت شاه را به لرزه در آورد . آری هرشب ستاره ای از آسمان حزب و میهن به زمین کشیده شد اما باز ایسن شب وحشت را ، دهها ستاره تابناک روشنی بخشید .

یورش پنجم

در سالهای ، سازمان های حزبی دوباره در ایران گسترش یافت . امپریالیسم و ارتجاع با رخنه در صفوف حزب ، سهمگین ترین ضربات را بر پیکر آن فرود آورد . اما این ترفند نیز ، حزب را از پای در نیاورد .

سازماندهی نوین از دهه ۵۰ به سرعت پا گرفت . " سوی حزب " راه را برای انتشار "نویدها" هموار کرد .

درخت تناور حزب دارای چنان ریشه های در دل این آب و خاک بود که خزان شاخه های آن ، نوید بهاران پر بارتری را می داد .

شاه معدوم و همپالگی هایش در این طبل توخالی می کوفتند که دیگر اثری از حزب نیست و کسار آن یکسره شده است . ولی این شاه بود که کسارش یکسره شد و به حکم تاریخ ، که همیشه به پیش می رود ، در اعماق زیاله دان تاریخ دفن شد .

با اوج گیری جنبش انقلابی که با تأثیر پیسیج گر حزب توده ، ایران و بسه پیروزی انقلاب بهمن انجامید ، نقش رهبری کننده و چشمگیری آن در زرقش انقلاب ، بار دیگر در معرض تجربه مردم قرار گرفت . با پیشرفت انقلاب ، نقش حزب در تثبیت و تحکیم و پیشبرد دستاورد های انقلاب ، دم به دم حساس تر و سنگین تر می شد . دقت و اصولیت مشی علمی و انقلابی حزب ، تا بدان حد بود که امپریالیسم و متحدان راستگرا و قشریش و تمامی طیف سازشکاران و دنباله روان آنان ، قادر به سرکوب حزب توده ایران نشدند . چنین است که یک بار دیگر تودهایها را بسه قربانگاه می برند تا خواستها و نیازهای مردم و مضمون اصلی انقلاب ملی - دموکراتیک بهمن ۵۷ را سلاخی کنند .

تاریخ خلق ها ، در جوامع طبقاتی تاریخ درد و رنج است .

سرگذشت قربانی کردن مدافعان آنها ، در فراموش خانه های خداوندان زر و زور و ستم است ؛ و چنین است تاریخ خلق های میهن ما از مزدک و بابک تا به امروز .

اینکه حزب تودهای ما ، دیگر بار سرکوب می شود تا زگی ندارد . به کار بردن ابزار زنگ زده و کهنه " اتهاماتی چون " جاسوسی ، وابستگی بودن " ابزاری ، که از زرادخانه های امپریالیسم به عاریت گرفته شده چیز تازه ای نیست . تازگی و ویژگی حوادث امروزی ، تنها و تنها در ابعاد عظیم ایسن جنایت است نهفته است . فاصبان جاه و مقام مردم ما ، آنانکه اعتماد

خلق را ربودند و بسوهرامواج خروشان قیام آنها به قدرت رسیدند از ابزار و بیان اعمال سرکوب - گرانه خویش ، علیه حزب توده ایران تنها به نو آوری خود در میدان قساوت و بی رحمی است که می توانند " افتخار " کنند !

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان اوین ، کابوس بازداشتگاههای مرگ هیتلری را در اذهان مردم جهان زنده کرده است

بقیه از صفحه ۱

در صبحگاه ۱۱ آذر - روزنامه گاردین - گزارش یک پزشک انگلیسی ، اندرو ویچ را از زندان اوین به چاپ رساند .

شب هنگام بی بی سی - در بخش خبری تلویزیون خود ، هنگام مصاحبه با این پزشک ، فیلم های گزارش او را به نمایش گذاشت در مقابل چشمان حیرت زده مردم شرافتمند جهان ، پسر دیگری کابوس بازداشتگاههای گروهی مرگ آلمان هیتلری تکرار شد :

" زندان اوین شاه ، با لغت وحشت مترادف بود . این زندان تحت رژیم خمینی ، حتی با وجود این ادعا که یک مرکز ارشاد اسلامی است ، مشکوک باقی مانده است ."

" در محوطه زندان ۱۰۰ زن در انتظار ورود ما ، در یک خطه ، در حالت سان به صسف کشیده شده بودند . حیاط زندان تاریک و سرد بود . تنها چشمان زنان ، از پشت چادرهایش معلوم بود . چادرهای سیاه آنها ، به زمین می کشید . این زنان خواندن سرودی را آغاز کردند که تمام عبارات آنها مشق داد شده بود : امام خمینی ، ما باید برای تلافی گناهانمان ، سیصد روزندگان جیبه شویم مرگ بر آمریکا مرگ بر حزب کمونیست مرگ بر مجاهدین با کمک حزب الله ، زندان دانشگاه شده است امام خمینی ، خدا به همراه تو ، ما در قلبهایمان چیزی علیه تو نداریم . آنجا کودکان حضور داشتند . طفلی به سینه مادرش چسبیده بود ؛ پسر هفت ساله ای ، یک کلید برنجی با بند به دور گردنش آویخته بود ، دست مادرش گرفته بود ؛ پسری شاید ۴ ساله با لباس زرد و کلاه پشمی ، با مشت گره کرده در هوا (دیده می شد) تنها اینجا ، در اوین ، این سلام ، سلام اطاعت است ."

در بین بازدیدکنندگان این زندان که در مقابل صحنه اطاعت این مسخ شدگان مبهوت ایستاده بودند ، کسی نبود که آثار شوم شکنجه و تحزیر درخیمان ج ۱۰ را ندیده باشد .

این صحنه های فجیع ، از شکنجه و مسخ گروهی خبری می دهد که به سان جمعی از عروسک های خیمه شب بازی ، در زندان اوین به اطاعت از درخیمان خود هم آهنگ با هم تکان می خوردند و هم آهنگ با هم کلماتی کوتاه از قبیل " مسن خیلی گناه کرد ما " ، " من نمی دانم " ، به زبلی می رانند . در گوشه دیگری از زندان اوین ، این صحنه های رقت بار به گونه ای دیگر تکرار می شود .

" ما به طرف سالن نماز جماعت ، محل تجمع هدایت شدیم پرده نقاشی عریض و طویلی از چهره خمینی ، بالای صحنه آویزان بود . پرده های دیگری از عکس های آیت الله های دیگر ، دورتا دور دیوارها ردیف آویخته شده بودند ؛ در یک طرف سالن بیش از ۵۰۰ زن پیچیده در چادر سیاه زانو زده بودند . من ۱۵

کودک در سالن شردم . کم سن ترین آنها ۱۱ ماهه بود . پرده کوتاهی زنان را از مردان جدا ساخته بود . تعداد بیشتر و بیشتری از مردان به سالن رسیدند تا تعدادشان تقریباً به ۱۵۰۰ نفر رسید . در آنجا نگهبانان حضور داشتند

صدائی شبیه نماز به سرود مبدل شد . زنان کلمات قافیه داری را می خواندند و به دنبال آنان مردان ، صدایی شبیه طبل به گوش می رسید ، گویی به زمین می کوبند . سپس من متوجه شدم که آنها مشت های خود را محکم و به طور دائم به سینه - هایشان می کوبیدند ."

این به اصطلاح " تروریستها و کمونیستها " آن طور که دادستان آنان را توصیف کرده بود ، کمونیست ها را نفرین می کردند ؛ از گناهانشان ابراز ندامت می کردند ؛ امام را تعجید می کردند ؛ به وفاداری خود به ج ۱۰ سوگند می خوردند .

یعنی مردی که با انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی خود ، رژیم استبدادی پهلوی را به زیاده دان تاریخ افکندند ، مردی که خسوف آزادانه و مغرور در روزهای اول پیروزی انقلاب صفوف اتحاد را حفظ کرده ، به ج ۱۰ رأی دادند و با رأی میلیونی خود ، بر انقلاب صحه گذاردند ، امروز زیر شکنجه های بدنی و روانی ، زیر دست درخیمان آدم حوار ، به طور گروهی مسخ می شوند ، و اشباح مسخ شده آنها در زندان اوین پایید بگویند :

" به وفاداری خود به ج ۱۰ سوگند می - خوریم !"

ارتجاع سیاه ایران و حامیان امپریالیستی آن ، بی رحمانه در تمام عرصه ها به انتقام و حشیانهای از مردم انقلابی میهن ما پرداخته اند ؛ بازتاب این انتقام سببانه در گزارش آندرو - ویچ از زندان اوین چنین آمده است :

" شاه زندان اوین را ، در ارتفاعات کوهستانی شمال تهران برای استفاده پلیس مخفی خود ، ساواک ساخت . اکنون این زندان قلمرو امپراطوری دادستان کل انقلاب ، اسد الله لاجوردی ، زندانیان و به گفته مخالفانش ، شکنجه گر و مأمور اعدام است ؛ مردی کوتاه قد و کبکی و کلفت که صورتش ، پشت ریشی سیاه و عینک پنهان شده و یک کت جنگی روی شانه هایش انداخته است ."

ارتجاع سیاه و امپریالیسم جهانخوار رپورش خود به نیروهای انقلابی ، مبارزان انقلابی ضد امپریالیست را برای حفظ و توطئه تسلط بی - شرمانه خود روانه سیاهترین سیاهچالها و مخوفترین شکنجهگاهها کرده است :

" از دادستان سؤال شده که آیا ما می توانیم سلول های شکنجه را ببینیم (او جواب داد) : آنها سلولهای شاه بودند و خراب شدند . هیچ - کس در زندان او شکنجه نمی شود . داستانهای

حاکمی از اینکه دختران پیش از تیرباران مورد تجاوز قرار می گیرند (در اسلام تیرباران دختران باکره گناه است) تبلیغات غرب است . هیچ باکره ای تیرباران نشده است !

وی گفت ؛ خبر داده شده از طرف فدراسیون بین المللی حقوق بشر مبنی بر اینکه زندانیانی که محکوم به اعدام شده اند ، خونشان گرفته می شود و برای سربازان زخمی استفاده می شود ، این تبلیغات است . وی افزود ؛ پروید و از مراکز انتقال خون سؤال کنید ؛ از زندانیان پرسیده می شود آیا مایل به دادن خون هستند و آنها داوطلبانه خون می دهند ."

پاللمجب احکامیتی که مدعی است توده های میلیونی مردم ، پشتوانه آن هستند و برای " نائل آمدن به افتخار شهادت " از یک دیگر پیشتر - دستی می کنند ، خون مورد نیاز جیبه های جنگ بی حاصل و خانمان برانداز را از بدن های نحیف و شکنجه دیده ، زنان و مردان ، این مبارزان در بند ، می کشند " و حتی از " خون خواهی " کسانی که به جوخه اعدام سپرده می شوند ، نمی گذرد .

" مادر کودکی ۱۱ ماهه به من گفت که وی ۹ روز بعد از تولد کودکش دستگیر شده است . او نخواست نام خود را بگوید ؛ از وی پرسیدم ، چه مدت در زندان خواهد ماند ، جواب داد : نمی دانم ؛ افزود ؛ هنوز رسماً به پرونده من رسیدگی نشده است . او وحشت زده بود . بلا سر رسیدن یکی از مأمورین این گفتگو خاتمه یافت بعداً به من گفته شد بعضی از زنان و بچه ها ، برای این نگاه داشته می شوند تا شوهرانشان را مجبور سازند ، خود را معرفی کنند"

حاکمیت ج ۱۰ برای این اصل قانون اساسی که می گوید :

" اصل ، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود ، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد " (اصل ۳۷) - و همچنین اصل ۳۲ که می گوید :

" هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد ، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کند . در صورت بازداشت ، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حد اکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود ، چه پاسخی دارد ؟

در باره این سؤال آندرو - ویچ می نویسد :

" دادستان به ما گفت که : " ما با هر کدام از زندانیها می توانیم صحبت کنیم . اگر زندانی گفت که بی گناه است ، پرونده هائی در دفتر موجود بقیه در صفحه ۱۳

گرامی باد خاطرۀ شهدای ۱۶ آذر

مسیر آتی جنبش دانشجویی، در جهت تشدید مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و راستگرایان است!

طلایی در يك صف واحد بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بسیج نمایند .
 حزب توده ایران، همواره بر این نقطه نظر بوده و هست که جنبش دانشجویی ایران با حفظ اصالت خود، نقش مهمی در پیروزی جنبش ملی و دمکراتیک ایران ایفا کرده و می کند .
 حزب توده ایران، جنبش دانشجویی ایران و نقش دانشگاه ها را در مبارزه ضد امپریالیستی، و به خاطر نیل به هدف های انقلاب خلقی

بودند، با سببیت سگان هیتلری به رگبار مسلسل بستند . در این یورش فاشیستی سه تن از دانشجویان دانشکده فنی : مصطفی بزرگ نیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی دانشجویی هوادار دکتر مصدق به شهادت رسیدند، و با تقدیم خون خود به خلق ایران قضای حقیقی رژیم ششاه ملعون را در هم شکستند . و بدین ترتیب سه

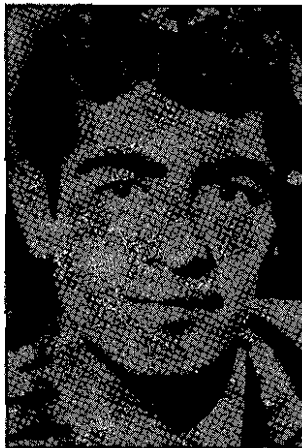
در تاریخ معاصر جنبش مقاومت مردم ایران، روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، برجستگی خامی دارد .
 در این روز، خروش اعتراض و خشمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد، در گلوئی مبارزان گره خورده بود، با شعار " مرگ بر آمریکا "، " مرگ بر ارتجاع " فضای حقیقان را شکافت .
 شاه خائن که با توطئه سازمان جاسوسی آمریکا توانست حکومت کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۳۲ را در کشور ما برقرار سازد و دولت دکتر مصدق را سرنگون کند، زمینه های لازم را برای حراج ایران در بازار مکاره، انحصارات غارتگر بین المللی و انعقاد قرارداد ننگین با کنسرسیوم بین المللی نفت تدارک می دید . برای ایمن خدمت چاکر منشانه و خفت آور، لازم بود ایران به گورستان سکوت و زندان فرزندان میهن پرست و ضد امپریالیست تبدیل شود . از این رو یورش به سازمان های ملی و دمکراتیک آغاز گردید و زندانها از پیشقراولان نهضت ضد استعمار ایران انباشته شد . پس از سرکوب خونین مردم و سازمان های سیاسی، نوبت به دانشگاه رسید .
 دانشگاه تهران که یارث بهترین سنتهای مبارزه علیه شاه خائن و امپریالیسم جهانی بود، نمی توانست در برابر توطئه کودتاجیان آمریکایی ساکت بنشیند . از این رو صدای رسای میلیون ها مردم محروم و زجر کشیده کشور ما از حلقوم فرزندان نشان، در دانشگاه طنین انداز شد .
 در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، اعتراض دانشجویان به خاطر ورود نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، بود . دانشجویان به نشانه اعتراض به بازداشت و دانشجویی راه و ساختمان توسط مزدوران رژیم شاه به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند و با شعار " مرگ بر شاه " در محوطه دانشگاه گرد آمدند . گرازه های وحشی شاه مزدور به بهانه " برقراری آرامش " به دانشکده فنی، مرکز پایداری و مقاومت دانشگاه تهران، هجوم آوردند و دانشجویان بی سلاح این دانشکده را که در برابر خود سری های نظام وابسته به امپریالیسم به اعتراض برخاسته



شهید شاهرخ مشکینی



شهید مهدی شریعت رضوی



شهید احمد قندچی

هیچ گاه در چهار چوب منافع گروهی و متعلق به قشر و طبقه خاصی تلقی نکرده است .
 حزب ما جنبش دانشجویی ایران را در کل خود نگریسته و می نگرد و معتقد است که ایمن جنبش باید همراه با مراحل مختلف انقلاب ایران، بیانگر وحدت کلیه نیروهای جوان در مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی آن باشد . جنبش دانشجویی ایران در گذشته، علی رغم تمام مشکلات در مسیر تحقق آرمان های خلق حرکت کرده است . شکی نیست که در آینده نیز در همین مسیر یعنی در جهت تشدید مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و راستگرایان حرکت خواهد کرد .
 ما یاد این روز و خاطرۀ شهدای قهرمان آن را گرامی می داریم .

مروارید مبارزه به دریای ابدیت پیوستند . خون پاک این جوانان نورسته و آزاد میهن استبداد زده، ما به لاله های خونین مبارزه علیه امپریالیسم تبهکار آمریکا بدل شد و هر سال با سرخی تند تری در عرصه مبارزه و پیکار دانشگاه می روید .
 ۱۶ آذر سال ۳۲ نشان داد که گلوله های کور دشمن، بی هیچ تمایزی سینه همه مشتاقان راه آزادی و استقلال ایران را خشک می سازد و بسه آرمان ها و اندیشه های رنگارنگ مبارزان نمی نگرد . سنت انقلابی ۱۶ آذر و تجربه پر بار آن، درس وحدت و یگانگی می آموزد .
 جا دارد که همه گردان های امیصل دانشجویی با الهام از این نهضت امیصل که ریشه عمیق در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی ما دارد، همه نیروها را بی هیچ تنگ نظری و هژمونی

" کمیته عالی سازمان ملل متحد "، برای نجات مهاجرین میبادرت ورزیده و خواستار مداخله سریع این سازمان، جهت جلوگیری از استرداد سایرین به ایران، بجائی که شکنجه و آزار در انتظار آنان است، شده است .
 ● حزب کمونیست اسپانیا، طی مخابره تلگرامی به رئیس جمهور ترکیه، خواهان آزادی مهاجرین سیاسی ایرانی، که در ترکیه از طرف حکومت این کشور بازداشت شده اند، گردیده و خواسته اند که به آنان، اجازه انتخاب آزاد کشوری جهت اقامت داده شود .

اعتراض کمونیستهای فرانسه و اسپانیا به بازداشت مهاجرین سیاسی ایران در ترکیه

طبقی خبر این روزنامه، هم اکنون ۲۰۰ تن دیگر در بازداشت پلیس ترکیه به سر می برند، که خطر استرداد آنان به حکومت ج ۱۰۱۰ می رود .
 این روزنامه هم چنین اشاره می کند که " کمیته همبستگی فرانسه با زندانیان سیاسی و علیه حقیقان و سرکوب در ایران "، به اقداماتی از طریق

روزنامه " اومانیته " ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ ۲۴ نوامبر (۳ آذر)، خبر بازداشت ۲۶ تن از دمکراتهای مهاجر ایرانی را به چاپ رسانیده و خاطر نشان کرده است که که متأسفانه این افراد، بنا به درخواست دولت ایران، تحویل مقامات آن کشور شده اند .

گفتگو بایکی از مسئولین «انجمن همبستگی» به

فرستی پیش آمد تا در مورد مسائل کارگری روز و خصوصاً " طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار " که به تازگی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است با یکی از مسئولین انجمن همبستگی به گفتگو بنشینیم .

نقض حق تشکیل شورا قانون "شورای ا"

لحن. لطفاً نظر انجمن همبستگی را در مورد مسائل کارگری در رابطه با " طرح تشکیل شوراهای اسلامی " بیان کنید .
ج. همانطور که کارگران می دانند انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای همواره نظرات خود را در مورد مهمترین مسائل کارگری در پنج ساله اخیر مطرح کرده است . سعی انجمن همبستگی همیشه بر این بوده است تا کارگران را به منافع طبقاتی خود آگاه گرداند و توجه های خرد کارگری را افشا کند . مسئله حقوق صنفی و شورائی کارگران همواره در صدر مسائل کارگری در ۵ ساله اخیر قرار داشته و انجمن همبستگی نیز به مناسبت های مختلف در این باره موضع صریح و روشن خود را بیان داشته است .

رسمیت شناخته شده و به آنان حق قانونی مشارکت فعال در اداره امور تولید و خدمات واگذار کرد . نیروهای اصیل انقلابی توجه داشتند که کارگران در اعمال حقوق صنفی - انقلابی خود باید آزاد باشند تا بتوانند بدون دخالت دیگران سازمان صنفی خود را تشکیل دهند . این کار از عهده خود کارگران به طور مستقل ممکن است و باید هم که فقط به دست خود کارگران انجام گیرد . اما آن بخش از حقوق کارگران که ناظر بر مشارکت آنان در اداره امور تولید و خدمات است ، به تنهایی و فقط از دست خود کارگران ساخته نیست و در این امر کارگران باید با شرکت مدیران و کارفرمایان نمایندگان دولت و از روی نظم قانون معینی عمل کنند . بنابراین بر نیروهای اصیل انقلابی روشن بود ، که اگر در روزهای حادث انقلابی ، شوراهای این هر دو وظیفه را به تنهایی بر دوش گرفتند ، در روزهای عادی نمی توان مدیریت تولید را در سازمان صنفی کارگران شریک کرد . بنابراین این دو سازمان جداگانه لازم بود یکی سازمان صنفی کارگری ، مستقل از دولت و مدیریت کارفرما و دیگری یک نهاد قانونی متضمن همکاری کارگران و مدیریت در اداره تولید و خدمات . تدوین کنندگان قانون اساسی این واقعیت را در اصول ۲۶ (حق کارگران در تشکیل آزادانه سازمانهای مستقل صنفی) و ۱۰۴ (ایجاد یک نهاد قانونی مرکب از نمایندگان کارگران و مدیریت) منعکس کردند . طبق قانسون اساسی روشن است ، که آنچه نیاز به تدوین قانون توسط مجلس شورا دارد ، اصل ۱۰۴ است . اصل ۲۶ به همین دلیل و با توجه به خطری ، که شکل های صنفی کارگری را تهدید می کرده ، انجمن همبستگی یارها و از جمله در نامه سرگشاده خود به مقامات ج ۱۰ خواهان آن شده که در رابطه با اصل ۱۰۴ قانسون لازم تهیه شود تا این نهاد شکل قانونی بگیرد . ولی در عمل چه شد ؟ به بیان اصل ۱۰۴ در پوشش آن و یا استفاده از کلمه "شورا" برای اصل ۲۶ قانون تهیه کردند . یعنی دشمنان طبقه کارگر ، با یک قانون ، دو بار قانون اساسی را نقض کردند و به روی تدوین کنندگان قانون اساسی تف انداختند .

از جمله در نامه سرگشاده انجمن همبستگی به مسئولین مملکتی در ۱۳۶۰/۱۱/۱۴ این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت ، متأسفانه این طرح در تریابوسی در مجلس به شور دوم گذاشته شد و به تصویب رسیده که بهیچ وجه شرایط دموکراتیک برای بیان آزادانه نظرات کارگران آماده نیست . اکنون مدتهاست که جلسات و سخنرانی های علیه سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر آغاز شده است . اکثر سندیکا و شوراهای کارگری خیز منحل شده اند . انجمن همبستگی نیز یکی از اهداف درجه اول این سرکوب ها بود . بسیاری از رهبران و اعضای انجمن همبستگی به دلیل دفاع بی باکانه و سرسختانه از منافع طبقه کارگر اکنون مدتهاست که در زندانهای ج ۱۰ تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار دارند . در این شرایط در عین اینکه رساندن نظرات انجمن همبستگی به کارگران دشوار شده است ، ولی از طرف دیگر مسلماً کارگران به این نتیجه می رسند ، که چه رابطه ای میان سرکوب سازمانها و شخصیت های مبارز کارگری و تصویب این گونه طرح ها و لوایح ضد کارگری وجود دارد .
کارگران اکنون با مقایسه شرایط کنونی با دوران اوجگیری مبارزات کارگری در پاییز ۱۳۶۱ متوجه این تفاوت می شوند . در آن دوران شوراهای کارگری توانسته بودند تا حدود زیادی به صورت سازمانهای مستقل کارگری خود را از یوغ انجمن های اسلامی و وزارت کار در آورده و در گرد هم آیی ها و کنفرانس های متعدد شرکت کنند . در آن دوران کارگران نظرات خود را به صورت مشخص و صریح در قطعنامه های متعدد منعکس می ساختند و سازمانهای صنفی و سیاسی کارگری نیز می توانستند این نظرات کارگران را منعکس کنند . اگرچه در آن هنگام نیز شرایط برای بیان آزادانه نظرات کارگران و دفاع از منافع صنفی و سیاسی آنان بهیچ وجه مناسب نبود ، ولی حداقل امکان های محدودی برای ابتکار وجود داشت . مسئولان وزارت کار و دیگر دست اندرکاران مملکتی با آنکه در آن هنگام نیز به کارگران چنگ و دندان نشان می دادند ، ولی بهیچ وجه قادر نبودند چنین طرحی را بدون سر و صدا به تصویب مجلس برسانند . ابتدا باید دهان مبارزین و سازمانهای کارگری را می بستند تا بعد با خیال راحت ختمهای خود را پیاده کنند . تجربه تمام رژیمهای ضد کارگری ملو از اینگونه خواهد است .
در سال ۱۳۶۶ رژیم محمد رضا شاه که مقدمه سرکوب جنبش توده ای را فراهم می کرد ، ابتدا شورای متحد ، مرکزی کارگران و زحمتکشان را مورد یورش و خشیانسه و سراسری قرارداد و سپس قدم به قدم تمام دستاوردهای دموکراتیک را منسوخ کرد . ولی این تجارب همگی بر یک نکته دیگر نیز دلالت دارند . و آن آنکه هیچ رژیم ضد کارگری نتوانسته است تا بنوعی به سرکوب و ارعاب دهان طبقه کارگر و سازمان های صنفی و سیاسی آن را بیند . به همین دلیل است ، که انجمن همبستگی نیز به عنوان یکی از سازمانهای صنفی کارگران ، سعی دارد تا در این شرایط نیز نظرات کارگران آگاه را به گوش مردم ایران و جهان برساند .

لحن. شما گفتید که به بهانه اصل ۱۰۴ و در پوشش اصل ۱۰۴ با استفاده از کلمه "شورا" اصل ۱۰۴ را بی محتوا کردند و از شکل انداختند ، نظر به اهمیت این مسئله ، ممکن است بیشتر در مورد آن توضیح دهید ؟
ج. بله . زیرا مجلس قانوناً فقط در مورد اصل ۱۰۴ می توانست قانون تصویب کند و نه در مورد اصل ۲۶ . بنابراین این ظاهر را ، اینطور آراستند ، که به نظر رسید صحبت از اصل ۱۰۴ است . در این مورد سختی اصل ۱۰۴ را نیز با یک قصه ظریف بازیگری کردند . این حقه ظریف چیست ؟ اگر اصل ۱۰۴ قانسون ظریف بازیگری کرده ، اینها را با یکدیگر مقایسه کنیم ، تنها یک تفاوت به ظاهر اساسی ، و ماده ۱ طرح شوراهای کار با یکدیگر مقایسه کنیم ، تنها یک تفاوت به ظاهر کوچک می بینیم . در اصل ۱۰۴ پس از جملات اولیه ذکر شده ، شورائی متشکل از نمایندگان کارگران ، دهقانان ، دیگر کارکنان و مدیران . . . در حالیکه در ماده ۱ طرح آمده است :
" شورائی به انتخاب جمیع کارکنان " در اینجا در واقع ما شاهدیم دو برخورد به کلی متضاد با مسئله شوراهای همبستگی ، اصل ۱۰۴ قانون اساسی شورا را نهادی می داند متشکل از نمایندگان کارگران و مدیران ، نهادی که به طور دائم در هر کارخانه و دیگر موسسات موجود است و وظیفه آن هم فکری در مورد مسائل مهم آن حومه است قبیل برنامه تولید ، برنامه فروش ، برنامه نوسازی ، توازن میان خواسته های رفاهی کارکنان و غیره می باشد . در این نهاد باید نمایندگان کارگران و نمایندگان مدیریت به صورتیکه هیچ طرف حاکم مطلق نباشد ، هم فکری کنند و حاصل این هم فکری به عنوان مصوبه شورای محل کار ، راههای عمل مدیریت قرار گیرد .
حال ببینیم طراحان این طرح شوراهای چه برداشتی از شورا دارند . آنها با این تغییر مهمی که در ماده ۱ این طرح وارد کرده اند به ظاهر چنین ادعا کرده اند :
" ما مدیر و کارگر و کارمند داریم . همه با هم برابرند . همه در مجمع عمومی می نشینند و همه ای را به عنوان نماینده خود انتخاب می کنند !"
این حرف را باور کنیم ؟ خود همین آقایان در موارد دیگر این طرح به طور

لحن. انجمن همبستگی همواره طرفدار این بوده است ، که مجلس شورائی قانونی در مورد اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، یعنی در مورد حقوق شورائی کارگران و دیگر زحمتکشان ، تصویب کند . آیا به نظر شما این طرح صوب مجلس بیانگر خواست کارگران در این مورد هست ؟
ج. این سوال شما در حقیقت کلید حل این طرح صوب مجلس است . اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، که ضامن حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان است ، در حقیقت یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران است . در روزهای انقلاب کارگران و زحمتکشان جهت پاسخ گویی به نیازهای جنبش انقلابی به سوی شکل های مستقل از رژیم شاه و با وظایف عالی انقلابی روی آوردند . این تشکلهای صنفی - انقلابی کارگران شورا نامیده شد . این شوراهای از یک طرف دارای خصلت صنفی - انقلابی بود ، که بند های قوانین و مقررات طاغوتی وزارت کار رژیم شاه را شکسته و سمیت به سندیکا های زمان شاه به مرحله بالاتری ارتقاء یافته بود . از طرف دیگر این شوراهای در جریان نبرد انقلابی و علیه ضد انقلاب پدید آمده ، نقش ارزنده ای در حفظ و باز سازی اقتصادی ایفا کرد و می بایست این نقش انقلابی کارگران به

صوب قانون "شورای اسلامی کار" در مجلس:

کارگری ویرگی اصلی می کار، است.

ی و صریح (مواد ۱۳، ۱۸، ۲۴، ۲۷) اذعان داشته اند که در حقیقت شورا بریت نه تنها دو چیز تفاوت بلکه متضاد و رو در روی یکدیگر هستند و به همین در ماده ۲۵ مهم ترین وظیفه شورای اسلامی کار منطقه " ایجاد تفاهم و هتگی و محل اختلافات میان شورا و مدیریت " است . سپس به همین می رسیم ، که طراحان این طرح شوراها ، بهیچ وجه منظورشان این نبوده ، که این شوراها نهادی مشکل از نمایندگان کارگران و مدیران باشند و نه جا است که باید گفت قانون اساسی به طور خشن و صریح نقض می گردد و طرح جنبه ضدشورایی می گیرد . از طرف دیگر برای خالی نبودن عریضه و اینکه طبق معمول ظاهر کار را بیوشانده ماده ۲۱ را نیز در این طرح ندانند . طبق این ماده یک نفر از اعضای شورا عضو هیئت مدیره می شود . در حقیقت می تواند فقط به منزله یک یل اطلاعاتی بین شورا و مدیریت باشد ؛ در بین چند نفر اعضای هیئت مدیره یک نفر کارگر حتی اگر واقعا نسیز صنایع آن را نمایندگی کند ، نمی تواند چند آن موثر باشد و در بهترین حالت فقط به مشاور کارگری مدیریت در می آید و نه به عنوان یک شخصیت مستقل کارگری که در مسائل مهم با مدیریت یهلو بزند .

انجمن صنفی ، نام آن را شورا گذاشته اند و بعد هم به خیال خود به کارگران گفته اند : " خوب ، بفرمائید ! این هم از شورای اصل ۱۰۴ و مشارکت شما در اداره موسسات ، دیگر چه می خواهید ؟ " شاید حقه بازانی پیدا شوند که بتوانند با گذاشتن اسم شب پر روز عده های را خواب کنند . ولی با این تغییر اسم ، نه شب روشن می شود و نه روز تاریک یو به زودی واقعیت افشا می شود . باید به این آقایان گفت که دیر آمده آید ، بازگان ها و بنی صدرها قبل از شما همین حقه را ز ند و دستشان روشد !

س . آیا این طرح صوب مجلس در اساس همان چیزی نیست که دولت موقت در اوایل انقلاب مطرح کرده بود ؟

ج . خیلی خوشحالم که این سؤال را مطرح کردید . همه کارگران و زحمتکشان آگاه امروز به این پرسش شما پاسخ مثبت می دهند . بله ، واقعیت این است ، که این طرح شوراها ، که از جانب به ظاهر مخالفین دولت موقت تصویب شده است ، در اساس ادامه دهنده برداشت بورژوازی لیبرال از شوراها است . اگر نگاه بی گذشته بیافکنیم می بینیم که وزیر کار دولت موقت در خرد ۱۳۵۸ ، یعنی ۴ ماه پس از انقلاب به نمایندگان شوراها ی اسلامی کارگران گفت : " در وزارت کار یا جای من است یا جای شوراها " !

ولی این جمله پیش از حد صریح و افشاگرانه بود . به همین دلیل دولت موقت چند ماه بعد در بخشنامه " ظاهر فریب خود ، همین معنا را در بسته بندی قابل قبول تری مرضه کرد . هدف این بخشنامه مخدوش و نقض کردن حقوق صنفی و شورایی کارگران بود . به علت وجود فعالیت تشکل های انقلابی کارگران و شرایط ماه های اول انقلاب ، این بخشنامه به اجرا در نیامد ولی سنگی پایه های شد پیرای ادامه دهنده گان راه بورژوازی لیبرال .

همین خط در گزارش نهایی " سیاست های توسعه و تکامل ج ۱۰۱۰ " ، که در خرداد ماه ۱۳۵۹ انتشار یافت ، به وضوح منعکس شده است . این گزارش بر اساس " طرح های انقلاب " دکتر یدالله سحابی (پیرو لیبرال معروف) تهیه شده است . این گزارش آشکارا نقش شورایی کارگران و دیگر زحمتکشان را نفی می کند . به عقیده نویسندگان این گزارش ، در کارخانه ها " هرج و مرج و عدم اعتقاد به هر نوع ضوابط حاکم بر روابط کار و اعضا بات بی مورد " حکم فرما بود ، و حتی داشتن عقاید سیاسی و صنفی نیز سبب روابط متشنج بین کارگران می شود ! آنان شوراها ی کارگری را سبب بر هم خوردن نظم در واحدهای تولیدی ، می دانند . اگر بخشنامه دولت موقت پیش از تصویب قانون اساسی صادر شده بود ، این گزارش در شرایط وجود اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی منتشر گردید .

اینجا به وضوح آشکار می گردد ، که بورژوازی لیبرال در زمینه حقوق صنفی و شورایی کارگران از همان ابتدا پرچم مبارزه با قانون اساسی را برافراشته بود . باید گفت که بورژوازی لیبرال توانست در مدت ۵ سال سیاست ضد کارگری خود را به اشکال مختلف به مجموعه حاکمیت بقولاند و در زمان ریاست بنی صدر بر شورای انقلاب ، " لایحه قانونی تشکیل شورا های اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی " در اواخر تیرماه ۱۳۵۹ به تصویب برسد ، که هم چنان همان روح بورژوازی لیبرال بر آن حاکم بود . نشریه کارگری " اتحاد " به موقع خود این لایحه ضد کارگری را افشا کرد و خطرات آن را به کارگران یاد آور گردید . چالب اینجا است که کسانی با ادعای مخالفت با دولت موقت و بنی صدر در دست همان سیاست ضد کارگری را پیاده کردند . آقای توکنی و حامیان او از این جمله اند . و امروز نیز کارگران شاهد آن هستند ، که مجلس شورای اسلامی ، که روزی بسیاری به آن امیدها داشته اند ، کنون نه روح بورژوازی لیبرال در آن دمیده شده است عسلا همان گفته را تکرار می کند : " شورا ، بی شورا ! "

س . به نظر شما در حالیکه کارگران و دیگر زحمتکشان حاضر یوند برای انقلاب و حاکمیت حاصل انقلاب همه گونه فدا کاری کنند و حتی در آزاد سازی سرزمین های میهن انقلابی در ابتدای جنگ تحمیلی نیز جان خود را در این راه گذاشتند ، تصویب این گونه طرح های ضد کارگری را چگونه می توان توجیه کرد ؟

ج . واقعیت این است که کارگران و زحمتکشان ایران ، به خصوص کارگران صنایع نفت ، در پیروزی انقلاب نقش بسیار مهمی داشته اند . این نقش توسط رهبری انقلاب نیز بارها تأیید شده بود . البته کارگران و زحمتکشان با خواسته های صنفی - سیاسی معینی در انقلاب شرکت کرده بودند . آنها خواهان استقلال کشور از قید وابستگی سیاسی و اقتصادی بودند ؛ آنها خواهان مشارکت فعالانه در سلطنتان یک جامعه شکوفا بودند ؛ آنها خواستار انجمن های صنفی مستقل خود ، یعنی سندیکاهای و شورا های مستقل محبت به کارگری هر چه بیشتر نیرو و ابتکار خود در اقتصاد کشور بودند ؛ آنها خواهان مشارکت هر چه بیشتر و فعالانه تر در زندگی برادران و خواهران خود ، یعنی کارگران سراسر جهان بودند . کارگران دیگر نمی خواستند در قید یک قانون کار طاغوتی باشند . آنها خواهان مشارکت در تدوین یک قانون کار انقلابی بودند ؛ کارگران و زحمتکشان ایران در آن دوران تمام امید خود را در این بقیه در صفحه ۱۵

س . پس وظایفی هم که در این صرح برای شوراها در نظر گرفته شده است ، بیچ وجه با اصل ۱۰۴ قانون اساسی و اصل مشارکت کارگران در مدیریت های کار مطابقت ندارد ؟

ج . کاملاً صحیح است . وظایف و اختیاراتی که این طرح برای شوراها قائل در مواد ۱۳، ۱۹ و ۲۰ آمده است ، ماده ۱۳ مشتمل بر ۱۰ مورد است که یک مورد بقیه در چارچوب وظایف یک تشکل صنفی است . آن یسکه مورد هم (بند ب) چون می تواند جنبه تقویت عقاید و اطلاعاتی - سیاسی داشته باشد بن چارچوب نمی گنجد . ۸ مورد ماده ۱۹ و ماده ۲۰ نیز تماماً منطبق بر نایک سا زمان صنفی کارگری است که در تمام کشورهای جهان وجود دارند و در چوب بسیار وسیع تر از آنچه در این طرح آمده یون آنکه نامشان را شورا دعمل می کنند . بنابراین چنانکه مشاهده می شود در مورد وظایف و اختیارات بیچ جنبی ، که بتواند حاصل این طرح را به اصل ۱۰۴ قانون اساسی نزدیک جود ندارد . بنابراین این کارگران یک بار دیگر شاهد آنند ، که از نظر وظایف نا نیز قانون اساسی نقض می شود و حق کارگران و زحمتکشان در مشارکت در موسسات نفی می گردد . از طرف دیگر با توجه به بار صنفی که بردوش این را " ها است ، شورای محصول این طرح اگر هم بخواهد ، امکان آن را ندارد ، که بریت مشارکت کند . مشکلات صنفی و مادی عظیم کارگران و زحمتکشان از جمله حقوق ، مشکل اضافه کاری ، مشکل حق شیفت ، مشکل طبقه بندی شافل ، مشکل های مختلف خود و خانواده ، مشکل مسکن ، مشکل تهیه ارزاق و تعساونی ، مشکل غذای محیط کار ، مشکل ایاب و ذهاب ، مشکل ایمنی محل کار ، پادایش و سود آخر سال ، مثل اخراج ، مشکل بازنشستی و هزاران مشکل چنان این شورا را در خود غرق خواهد کرد ، که به هیچ وجه فرصت سر ن نخواهد داشت ، چه برسد به مشارکت در امر مهم مدیریت ، که علاوه بر نیاز متن اطلاعات ، به فرصت کافی جهت بررسی و مطالعه ، دقیق اسناد مختلف ره با دیگر کارکنان و متخصصین مربوطه نیازمند است .

همین دلیل است که ما باز هم تکرار می کنیم : طبقه کارگر ایسران و تمام ان ایران طبق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی به دو تشکل مستقل مقاوت ند ؛ یک سازمان مستقل صنفی ، که باید بدون دخالت دولت یا مدیریت و توسط خود کارگران تشکیل شود ؛ در این مورد به هیچ قانونی نیاز نیست . مساسی در این مورد صراحت لازم را دارد . و در کنار این سازمان و جدا ک نهاد قانونی به نام شورا ، متشکل از نمایندگان کارگران و دیگر کارکنان و بود این دو سازمان منطبق با قانون اساسی است و می تواند مورد حمایت و زحمتکشان قرار گیرد . سفاغه باید گفت که طراحان این طرح ، کارگران و زحمتکشان را خیلی احق ندماند . آنها طرحی برای انجمن صنفی تهیه کرده اند ، که بسه جای

کارزار جهانی همبستگی بازگان دمکرات زندانی در ایران

اسپانیا

خاتم چارز وله تا ، رئیس سازمان عضو بین المللی در اسپانیا ، به همراه جمعی از شخصیت های این سازمان ، اعتراض نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در این کشور ارسال داشته اند که در آن از جمله چنین نوشتند :

"حاکمیت ایران ، امروز با اعمال سرکوبگرانه قانون اساسی را لگد مال کرده است ، زندانیان سیاسی در ایران ، از ابتدائی ترین حقوق انسانی نیز محروم اند ، اتهامات جعلی را ، که به توده های ما این مدافعین واقعی مردم ، نسبت داده شده است ، کسی باور ندارد ."

شخصیت های فوق الذکر ، سپس در پایان نامه از مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ خواسته اند ، که به نمایندگی های صلیب سرخ ، سازمان عفو بین المللی و سازمان ملل متحد اجازه دهند ، که از نزدیک وضع زندانیان را بررسی کنند .

● در تاریخ ۶ نوامبر (۱۵ آبانماه) ، فرستنده راد یو کارگری کاتالونیا ، در یکی از برنامه های خود ، به پخش مصاحبهای با هواداران "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در این استان پرداخت . در این برنامه که به مدت یک ساعت طول کشید ، سیاست اختناق و فشار حکومت ج ۱۰۱۰ در رابطه با زنان میهن ما ، که با شرکت در مبارزات مردمی ، انقلاب ایران را به پیروزی رساندند و سپس با فداکاری ها و از خودگذشتگی های کم نظیری ، به دفاع از دستاوردهای آن پرداختند ، تشریح و آنگاه بازداشت های جمعی زنان مبارز و کلیه دمکرات ها در ایران و چگونگی وضعیت زندان ها ، فشار و شکنجه های جسمی و روحی وارده بر زندانیان توضیح داده شد .

در پایان برنامه ، طی فراخوانی ، از کلیه مردم مترقی و نهاد های دمکراتیک اسپانیا خواسته شد ، تا با تشدید موج همبستگی با زندانیان دمکرات در ایران و به ویژه اعضای در بنده "تشکیلات دمکراتیک زنان" ، به امر رهائی این قربانیان بی دفاع از چنگال خونین جلاان ج ۱۰۱۰ ، یاری رسانند .

● "انجمن دمکراتیک زنان به خاطر صلح" و "جمعیت حرکت زنان اسپانیا" ، طی اعضای بیانیهای نسبت به اعمال بی رویه حکومت ج ۱۰۱۰ ، در رابطه با بازداشت و شکنجه زنان و به ویژه فعالین و اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" که سالیان سال بر علیه ستم رژیم سلطنتی و دشمنان خارجی مبارزه نموده و زندگی خود را در راه آزادی و بهرزی زنان زحمتکش میهن ما وقف نموده اند ، شدیداً اعتراض کرده ، آزادی فوری آنان را خواستار گردید هاند .

● "موندوا و پررو" ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا ، طی انتشار مقاله ای ، به درج مبارزات "تشکیلات دمکراتیک زنان" ایران پرداخته و قید کرده است که دولوریس ایباررو

مبارز معروف نهضت ضد فاشیست و رهبر حزب کمونیست اسپانیا ، پس از دریافت خبر بازداشت اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" به تلاش

اعلام آمادگی یک وکیل مدافع و یک پزشک زن برای عرصیت به ایران برای بررسی وضع زندانیان و کمک های پزشکی و شرکتهای خدماتی برای محاکمه زندانیان

خاتم باربارا هورینگ ، وکیل مدافع وکیلیا رگرت پزشک ، که هر دو تبعه آلمان هستند ، آمادگی خود را برای عرصیت به ایران جهت بررسی وضع زندانیان دمکرات (به ویژه زنان زندانیان) و شرکت در دادگاههای دادایی برای محاکمه زندانیان اعلام نمود هاند .

آزادی زنان عضو این سازمان ، دست زده است . در پایان مقاله ، هم چنین طی فراخوانی از کلیه نیروهای دمکرات و به ویژه زنان ، خواسته شده است که به دفاع از زنان آزادی خواه زندانی در ایران ، برخیزند .

انجمن فدرال

"انجمن سوسیال دمکرات" شهر آخن ، طی ارسال اعتراض نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در بن ، اعمال فشار و تضيیقات در مورد فعالیت زنان و سازمان های آنان در ایران و بازداشت و شکنجه زنان مبارز را به وسیله حکومت ، شدیداً محکوم نموده است .

اعضای انجمن در نامه خود ، یسار آوری نموده اند ، از آنجا که در ج ۱۰۱۰ ، زنان انسان های درجه ۲ بشمار می آیند ، به ویژه وجود سازمان هایی که به خاطر کسب حقوق آنان مبارزه کنند . بقیه در صفحه ۱۶

متن بیانیه همبستگی هیئتهای نمایندگی سازمانهای عفو فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان ، با دمکراتهای زندانی در ایران

"ما مقامات حکومتی ایران را مسئول این جنایات می دانیم!"

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" ، نمایندنده واقعی زنان ایران ، پایان داده شود . سازمان های اعضاء کننده بیانیه به قرار زیرند :

- اتحادیه زنان اردن . سازمان زنان قبرس
- اتحادیه زنان کیک مونترال . کانادا . کنگره زنان کانادا . سازمان زنان متری گایانا . زنان عضو جبهه متحد خلق شیلی . فدراسیون زنان متری مصر . اتحادیه زنان برای فرهنگ و صلح ایسلند . فدراسیون زنان دمکرات دانمارک . مجمع زنان نروژ . اتحادیه زنان هائیتی . اتحادیه عمومی زنان فلسطین . اتحادیه زنان سودان . اتحادیه زنان استرالیا . فدراسیون زنان یونان . اتحادیه زنان عراقی . مجمع دمکراتیک زنان پاکستان . اتحادیه زنان لوکزامبورگ . سازمان زنان اطریش . اتحادیه خلقی زنان پرو . اتحادیه زنان گوادلپ . جنبش حق طلبانه زنان ایرلند شمالی . سازمان زنان برای برابری نژادی و اقتصادی آمریکا . سازمان زنان جبهه آزادی بخش ملی بحرین . سازمان زنان متری ترکیه . اتحادیه زنان سوریه برای دفاع از مادران و کودکان . اتحادیه جوانان سودان نیز ، ضمن اعضاء بیانیه فسق ، همبستگی خود را با اعضاء "تشکیلات دمکراتیک زنان" و سایر زنان دمکرات در بند در ایران اعلام نمود هاند .

در خلال برگزاری اجلاس "شورای فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" منعقد در بالاتونالیکا - مجارستان (۱۱ تا ۱۴ اکتبر) .

بیانیه زیر از طرف هیأت های نمایندگی ۲۶ سازمان عضو "فدراسیون" در همبستگی با دمکرات های در بند و به ویژه اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" ، به اعضاء رسیده است : "ما بازداشت غیر قانونی و شکنجه های بیریزه متشانه زنان و مردان دمکرات ایران را شدیداً محکوم می کنیم . این اعمال ناقض موازین بین المللی حقوق بشر است .

ما مقامات حکومتی ایران را مسئول جنایاتی می دانیم که علیه هزاران تن از زنان متری و مبارزین ضد امپریالیست که ماههاست بدون هیچ گونه اطلاعی در زندان به سر می برند ، اعمال می شود و خواستار آنیم که :

- ۱- تضيیقات ، زندان ، شکنجه های روحی و جسمی و اعدام آنان متوقف شود .
 - ۲- کلیه زندانیان دمکرات و متری آزادی شوند .
 - ۳- به هیأتی بین المللی ، مرکب از حقوق دانان و پزشکان ، همراه با کمیونی متشکل از اعضاء "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" ، اجازه ورود به ایران ، جهت ملاقات با زنان زندانی و بررسی وضع آنان از نزدیک داده شود .
- غده به سرکوب سازمان های متری ، به ویژه

خطر اعدام، جان توده‌ای‌های ..

خود را با آنان نشان داده، آمادگی خود را برای انجام هر گونه فعالیتی در زمینه دفاع از جان آنان، ابراز نمودند .



همبستگی خلل ناپذیر میان مردم یونان و ایران در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی

دادند . طی برگزاری مراسم یادبودی که به مناسبت حوادث تاریخی سال ۱۹۷۳ - حوادثی که منجر به برانداختن حکومت دیکتاتوری نظامیان در یونان گردید - در محل دانشکده پلی تکنیک آتن و نیز تظاهرات با شکوهی که بدین منظور انجام گرفت، هواداران حزب توده ایران در این شهر نیز ضمن برپایی غرفه‌ای، همبستگی خود را با مبارزات دمکراتیک مردم یونان نشان دادند . بدین مناسبت همچنین هواداران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یونان، پیام های همبستگی خطاب به کمیته برگزار کننده مراسم فرستادند .

شرکت کنندگان در مراسم فوق و مردم آزادبچ خواه یونان، با امضای فرم های اعتراضی نسبت به بازداشت های غیر قانونی و شکنجه های وحشیانه زندانیان توده‌ای و دمکرات، همبستگی

بقیه از صفحه ۳
توده‌ای‌ها و اعمال تضییقات و فشار بر علیه سایر نیروهای دمکرات، با قاطعیت از طرف حاضرین در جلسه محکوم گردید . آنان ضمن همبستگی با زندانیان، خواهان آزادی آنان و فعالیت آزاد برای حزب توده ایران و سایر سازمان های دمکراتیک گردیدند و بدین مناسبت قطعنامه‌ای به اتفاق آراء به تصویب رساندند که در آن پس از افشای جنایات حکومت ج ۱۰ در مورد کلیه نیروهای انقلابی خواستارند که به کمیسیونی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بی طرفه اجازه مسافرت به ایران و بازدید از زندانیان داده شود، تا بتوانند از نزدیک وضع آنان را بررسی نماید و نیز جلسات دادگاه ها علنی و طبق موازین بین المللی باشد .

هایدلببرگ

در جلسه‌ای که در تاریخ ۳ دسامبر (۱۲ آذر ماه) به ابتکار نیروهای صرقی شهر هایدلببرگ به منظور ابراز همبستگی با اعضای حزب توده ایران و سایر دمکرات های زندانی در ایران برگزار شده، ضمن تشریح آخرین تحولات کشور و جنایات درخیمان حکومتی در حق زندانیان بی دفاع، تلگرامی از طرف جلسه به رئیس جمهوری اسلامی ایران مخابره گردید، که طی آن بـــخواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان، جهت بررسی وضع زندانیان و شرکت در دادگاه های قریب الوقوع، تأکید گردید .

کلن

در مراسمی که به تاریخ ۲۶ نوامبر (۵ آذر) به مناسبت برپائی پنجمین کنگره حزب کمونیست ترکیه در شهر کلن برگزار گردید، رفقای حزبی ما نیز حضور داشتند . غرفه حزب توده ایران مورد استقبال شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت و آنان، به ویژه رفقای حزب کمونیست ترکیه، با پرسش و پاسخ شرایط مشابهی که دو حزب در آن سه سر می‌برند، همبستگی بی دریغ خویش را بارفقای درین توده‌ای، ابراز داشتند .

غرفه حزب توده ایران، به محل بحث و تبادل نظر پیرامون راه های دفاع از زندانیان توده‌ای و سایر مبارزین ضد امپریالیست در بند بدل شد . جمعی از رهبران حزب کمونیست ترکیه با حضور در غرفه حزب ما، مراتب نفرت و انزجار خود را نسبت به همکاری دستگاه های سرکوب و ترورد ولتی دو کشور و دستگیری توده‌ای‌ها و سایر مبارزین در ترکیه و تحویل عده‌ای از آنان به دست رژیم ج ۱۰، اعلام نمودند . نقطه نظرهای حزب پیرامون چرخش به راست حاکمیت در ایران و رویداد های اخیر کشور، توسط رفیقی به جلسه ارائه گردید و حاضرین با فریو زنده یاد حسرتزب توده ایران، باید ار باد انقلاب ایران، و برقرار باد " همبستگی بین المللی زحمتکشان "، عزم خود را در تحکیم پیوند میان خلق ها و احزاب برادر دو کشور، برای نابودی ارتجاع، نشان

" خودکشی"، پوشش جدید اعدام!

رئیس زندان معتقد است، باید همه آنها را اعدام کرد . گزارش خبرنگار " سندی تایمز " این سأل را تأکید می‌کند . آنطور که از گزارش بر می‌آید، اعدام ها حتی آغاز شده‌اند؛ منتهی تحت پوشش " خودکشی " این امر، مبارزین ضد فاشیست را به یاد متد های گشتاپو می‌اندازد . خطر، زندگی زندانیان را به شدت تهدید می‌کند و اقدامات فوری، همبستگی با آنان ضروری است .

چند ماه پیش، هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان و خبرنگاران بین المللی درخواست رواید برای عزیمت به ایران نمود، تا از نزدیک اتهامات وارده را بررسی و به شکایات و شرایط محاکمات رسیدگی نماید .

اتحادیه ضد فاشیستها و کسانی که تحت پیگرد نازیها قرار داشتند، از کلیه دمکرات ها می‌طلبید که به اعتراضات فوری دست زنند . خطر بزرگ و وقت تنگ است . زندگی زندانیان را خطر جدی تهدید می‌کند، زیرا که آغاز محاکمه، حکم دادگاه و اعدام فوری، ممکن است در فاصله کوتاهی به وقوع بپیوندد . بنا بر این همراه با ما بخواهید که :

- محاکمات در دادگاه های عادی انجام یابد .
- ناظرین بین المللی در دادگاه ها حضور یابند .
- کلیه زندانیان، که مطلقا گناهی مرتکب نشده‌اند آزاد شوند .

هیأت رئیسه اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازی ها در آلمان فدرال قرار داشتند در تاریخ ۳۰ نوامبر (۹ آذر) اطلاعاتی مطبوعاتی در مورد تشکیل دادگاه اعضای حزب توده ایران انتشار داده که متن آن چنین است :

" برای جلوگیری از اعدام ها، باید به اقدامات عاجل دست زد .

۶ دسامبر (۱۵ آذر) روزی است که میهن پرستان ایرانی به دادگاه نظامی احضار می‌شوند . طبق اطلاعیه دادستانی تهران، در تاریخ ۶ دسامبر (۱۵ آذر)، محاکمه اعضای حزب توده ایران و دیگر میهن پرستان در دادگاه نظامی آغاز خواهد شد .

ما ها است که در ایران، ایجادجوی جهت انجام اعدام ها تدارک دیده می‌شود . به حزب توده ایران، از طریق جعلیات و افتراشات، نسبت " جاسوسی " داده شده و بر این پایه " اعضا " و هواداران حزب، جز ایشان اعدام است ! یگی از تشریحات معتقد به این امر است که مجازات اعدام در حق این افراد، واقعا " حداقل " مجازات است !

رئیس زندان اوین تأکید می‌کند : " توده‌ای‌ها کافرند و بنا بر این قابل دفاع نیستند " !

بدین ترتیب، کسانی که به زندان و شکنجه گاه کشیده شده‌اند، هیچ گونه حقی ندارند .

در هفته ای که گذشت:

توطئه های آمریکا، به مرحله اجرا درمی آید!

در روزهای گذشته آهنگ اعمال سیاستهای تجاوزگرانه آمریکا در خاور نزدیک و میانه شتاب بی سابقه ای یافته است.

به دنبال مسافرت شامیر، نخست وزیر اسرائیل، به آمریکا در تکمیل موافقت نامه های پیشین، توافقنامه استراتژیک تازه ای میان اسرائیل و آمریکا به امضاء رسیده که بر اساس آن اسرائیل تعهدات تازه ای در اجرای سیاست های تجاوزگرانه آمریکا به عهده خواهد گرفت.

به دنبال این طرح مشترک مردم جهان در روزهای اخیر شاهد بودند که تهاجم همه جانبه به لبنان با تهدید آشکار سوریه به تعرض تکمیل شد.

این بار نیز هم چون گذشته کوشش شد تا این برنامه های تجاوزگرانه تحت پوشش "حفظ امنیت" اسرائیل توجیه شود. ریگان در رضیافتی که به افتخار شامیر ترتیب یافته بود اظهار داشت که:

"آمریکا هم چنان مراقب امنیت و آسوده اسرائیل خواهد بود."

امپریالیست ها و صهیونیست ها، در توجیه این تدارکات نوین ضد انقلابی، اقدامات دفاعی سوریه در شرایط خطر فزاینده از طرف اسرائیل

را بهانه می کنند. راهزنان آمریکائی و اسرائیلی با همین بهانه به لبنان تجاوز کردند و هزاران نفر از زندگان فلسطینی و مردم بی گناه این کشور را به طرز فجیعی به قتل رساندند. سوریه انقلابی، امروز سنگر اصلی مقاومت در برابر اهداف تجاوز کارانه و توسعه طلبانه امپریالیست ها و صهیونیست ها است و سازمان

آزادی بخش فلسطین و نیروهای جبهه پایداری لبنان، آماج های اصلی تدارکات نوین آنانند. آخرین حمله به سوریه نشان داد که گذار از تدارکات به حمله، به حمله بدل شده است. امپریالیسم

آمریکا برای آغاز این حمله، ابتدا به تجمع آرایش نیروهای نظامی خویش در لبنان و مرزهای اسرائیل پرداخت و نیروهای نظامی خود را در حد بی سابقه ای افزایش داد. سپس به اختلافات درون جبهه متحد نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین دامن زد. از سوی دیگر گرایش تسلیم طلبانه و ارتجاع عرب را تقویت نمود و اینک حمله خود را آغاز کرده است.

از سوی دیگر و هم زمان با این اقدامات تجاوز کارانه در روزهای اخیر وزارت دفاع آمریکا از ایجاد یک فرماندهی جدید در منطقه خلیج فارس قبل از پایان سال جاری گزارش داد. در اطلاعیه وزارت دفاع آمریکا آمده است که مرکز این فرماندهی جدید برای نیروهای واکنش سریع

در عرشه یک ناو جنگی در خلیج فارس تأسیس خواهد شد. وزارت دفاع آمریکا هم چنین اعلام کرد که این مرکز فرماندهی جدید آمریکا در خلیج فارس با کلیه دولت های طرفدار ایالات متحده در تماس خواهد بود. بی جهت نیست که در همین هفته یک مانور مشترک نظامی با شرکت نیروهای هوایی عربستان سعودی و کویت انجام گرفت.

در حالیکه تهاجم عمومی امپریالیسم دیکتاتورهای متعدد، جبهه جهانی ضد امپریالیستی را با کار تدارک جدی مقابله با تجاوز به شدت درگیر کرده است، شوونیسم عظمت طلبانه و موضع گیری های سراپا نادرست رهبران جبهه دستاویز مهمی برای کارزار تبلیغاتی و جنگ روانی امپریالیستی با هدف دخالت نظامی فراهم آورده است. و همانطور که قابل پیش بینی بود امپریالیسم نیز فرصت را مغتنم شمرد و از بهانه جنگ ایران و عراق و قمار پوچی کسه سردمداران جبهه، با تهدید بدست تنگ هرمز آغاز کردند استفاده کرد تا بر حضور روز افزون خود در منطقه بیفزاید و اتحاد نظامی با ارتجاع منطقه را تقویت کند؛ از این روست که اینک با تشکیل ستاد فرماندهی مشترک امپریالیسم و ارتجاع در عرشه کشتی های جنگی در خلیج فارس، بسز رگشته رادرو و حمله به سوریه را آغاز می کند.

او یک و تعیین بهای نفت

در هفته جاری، ۲۹-مین اجلاسیه وزیران نفت ۱۳ کشور عضو اوک به منظور بررسی وضع سهمیه و قیمت نفت و هم چنین تعیین دبیر کل جدید اوک در ژنو برگزار می شود.

در سال گذشته و به خصوص در دو اجلاسیه گذشته، "اوک" با جبهه گیری وسیعی از جانب همه کشورهای امپریالیستی و کلیتاً انحصارات نفتی علیه خود مواجه شده است. در رأس این جبهه، امپریالیسم آمریکا و اعضای کارتل بین المللی نفت قرار دارند. آنها سعی می کنند اوک را متلاشی کنند و سپس کشورهای نفت خیز در حال رشد را یکی پس از دیگری به قبول شرایط سنگین غارتگرانه امپریالیستی و انعقاد قرارداد های امتیازی و فروش نفت به قیمت ارزان مجبور کنند.

تشدید بحران سیستم جهانی سرمایه داری و کاهش عمومی تولیدات صنعتی در غرب و اقداماتی که برای صرفه جویی در مصرف انرژی صورت گرفته است، مصرف جهانی نفت و در نتیجه تولید نفت در کشورهای "اوک" را به طور قابل ملاحظه ای کاهش داده است. از سوی دیگر کشورهای امپریالیستی و کسرن های نفت هم زمان با ذخیره سازی کوشیدند. بازار نفت را با افزایش عرضه در مقابل کاهش

تقاضا مواجه سازند و بدین طریق پایه اقتصاد کاهش عمومی قیمت نفت را به وجود آوردند. به طوریکه در آخرین کنفرانس اوک، قیمت نفت ۲۴ دلار برای هر بشکه به ۲۹ دلار تقلیل یافت. امپریالیسم دریایی تفرقه اندازی در اوک به

منظور تسلط بلامنازع بر بازار جهانی نفت است؛ عربستان سعودی به مثابه بازو و اهرم فشار اقتصادی بر اوک در این راستا استفاده می کند. ریاض برای خوشایند امپریالیستها، بارها از افزایش قیمت نفت جلوگیری کرد و با افزایش خود سرانه تولید نفت خویش از سهمیه ای که توسط اوک تعیین شده بود، به افزایش عرضه جهانی و کاهش قیمت نفت یاری رسانده است. زمانی که در نتیجه جنگ ایران و عراق، میزان استخراج نفت کاهش یافت، جریان نفت عربستان سعودی بازار جهانی را به حالت اشباع درآورد. هدف آمریکا و متحد سعودی اش به ویژه آن است که با این ترفند ها کشور های ضد امپریالیستی لیبی و الجزایر و دیگر دول مترقی، عضو اوک را تحت فشار اقتصادی قرار دهند.

در اجلاس کنونی امپریالیست ها بار دیگر در تب و تابند تا ضمن دامن زدن به اختلافات بر سر سقف تولید و انتخاب دبیر کل جدید، بهای نفت را تا سطح بشکه ای ۲۷ دلار پایین آورند.

در چنین وضعیتی، کشورهای عضو اوک تنها در شرایط وحدت و یک پارچگی کشورهای مترقی می توانند در مقابله با انحصارها به موفقیت برسند.

شواهد و شایعات گوناگون حاکی از آنند که دولت ج ۱۰۱۰ در حالیکه در حرف سدافع سر سخت افزایش قیمت جهانی نفت است، در عمل بخش مهمی از صادرات نفت ایران را به قیمتی بسیار کمتر از قیمت رسمی اوک (یعنی ۲۵ دلار) به فروش می رساند. باید انتظار داشت که زاسترگرایان و آستان بوسان امپریالیسم در اجلاس آتی اوک نیز، همین نقش دو رویانه را ایفا کنند. در گفتار مبارزه با امپریالیسم، در کردار همکاری با امپریالیسم!

صدور، مظاهر حاکمیت ج.ا. به بنگلادش

رادپو ایران در اخبار روز دوشنبه ۷ آذر اعلام داشت:

"آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه" ج ۱۰۱۰ در رأس هیاتی ۳۰۰ پس از دیدار کوتاه خود از دهلی، به منظور شرکت در چهارمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی که فردا در داکا گشایش خواهد یافت عازم بنگلادش شد."

این مسافرت و بازدید از کشور دوست و برادر بنگلادش در زمانی انجام گرفته است که مبارزات حق طلبانه مردم تحت ستم این کشور، طیبه دیکتاتوری نظامی دست نشانده امپریالیسم اوج می گیرد. روزنامه کیهان مورخ ۷ آذر می نویسد:

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان

زندان اوین ، پند های مخوف و سلول های دشتناک و ابزار و آلات متعدد و پیچیده های برای شکنجه دارد که به مراتب مرگبار تر از آن زندان "آماده و ترتیب" داده شده های است که آندرو - ویج توصیف و تصویر کرده است .

توده های دریند ، در آن سلول ها و شکنجه گاه هایی به سر می برند که جز دادستان کل و شکنجه گران ویژه ، دستگاه های جاسوسی بین المللی و " موجوداتی " چون پزشک احدی و مشاوران آنان در حاکمیت ج ۱۰ به آنجا راه ندارند . از آن سلول های شکنجه ، با وجود درخواست محافل سیاسی ، حقوقی و پزشکی بین المللی ، یعنی بر باز دید از این بند ها و سلسول ها و زندانیان آن ، تا کنون جز نوارهای تلویزیونی " اقراریه " ، اسناد جعلی به اصطلاح جاسوسی و پرونده سازی جهت قتل عام توده های ها ، چیزی دیگری بیرون نیامده است .

این تنها گوشه ای از حد " قضا " و نحوه " آموزش و تہذیب " و فضای رعسب آورو فرساینده " دانشگاهی " است که سرمد لزان ج ۱۰ - ۱ ، به افتخار داشتن " حق انحصاری " از آن نائل آمده اند . در واقع باید گفت : خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل !

این ماجرای غم انگیز ، این ملت کشی ارتجاع ، این بربریت سیاه قرون وسطائی ، سینه بی دفاع چه زنان و مردانی را هدف گیری کرده است ؟

" به طور غیر رسمی بیش از ۶۰۰۰ هزار زندانی یا بیشتر ، در آن واحد در این زندان وجود دارند که بعضی از آنها گروگانند . به طور رسمی ، بیش از ۵۰۰۰ نفر از بد و انقلاب تسلا کنون ، اکثر در اوین اعدام شده اند . به طور غیر رسمی ، زندانیان از اعدام ۴۹۰ نفر ، تنها در یک شب صحبت کردند . "

لاجوردی در مصاحبه ای با سندی تایمز - ۲ نوامبر - اظهار داشته است که برای شکوفایی اسلام در این سرزمین ، حداقل می توان یک میلیون انسان را به هلاکت رساند !

آندرو - ویج که به نوشته خود " حد اکثر نیمی از زندانیان و نصف زندان را دیده است " هیچ گاه از " توده های دریند " ، سخنی به میان نمی آورد . " پس آنها کجا هستند ؟ "

بقیه از صفحه ۶

است که گناه او را ثابت می کند . . .

آندرو - ویج ادامه می دهد :

" ولی متأسفانه در این دفتر ، در آن موقع قفل بود بنا بر این ما موفق به دیدن آن پرونده ها نشدیم . "

آندرو - ویج در پایان گزارش می نویسد :

" سرود خوانی ، ندامت گویی و سینه زنی ، حدود یک ساعت طول کشید . بچه ها نزد مادران رام و مطیع بودند . آنها هیچ چیز نمی خواستند . آنها گاه تاشا می کردند و مواقعی کلمات را به تقلید بر زبان می آوردند . . . "

" یکی از پزشکان اروپائی متخصص اطفال ، قصد داشت از برخی از مادران دریابد ، رفتن با اطفال آنان چگونه است . به آنها غذای خوب داده می شود ؟ اتاق مشترکی به مادر بچه تعلق دارد ؟ وقتی پاسخها شروع شد ، مأموری سر رسید . زنان که در سدد بودند بازتر صحبت کنند ، ساکت شدند . "

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

" صد ها تن از روزنامه نگاران بنگلادش به منظور اعتراض به دخالت دولت این کشور در امور روزنامه ها ، در خیابانهای داکا پایتخت بنگلادش دست به تظاهرات زدند . تظاهرات کنندگان علاوه بر اعتراض نسبت به دخالت مقامات موسسات دولتی در امور روزنامه ها ، خواستار لغو حکومت نظامی در این کشور شدند . "

کوشش حاکمیت راستگرای ج ۱۰۱۰ در حفظ و توسعه روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با رژیم های نظامی دست نشانده امپریالیسم در منطقه ، چون پاکستان و ترکیه ، تازگی ندارد . مردم مبین ما حمایت صریح و آشکار آنها را از ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان - در اوج مبارزات مردم این کشور - فراموش نکرده اند .

دیکتاتور نظامی بنگلادش نیز برای تحکیم موقعیت ارتجاع ، به حربه سرکوب مقاومت خلقی متوسل شده است . در پی تظاهرات خونین روز دوشنبه در داکا که منجر به کشته شدن ۵ تن و زخمی گردیدن صدها نفر شد ، دیکتاتور پایتخت بنگلادش به حال تعطیل و امتصاب عمومی درآمد و کلیه فعالیت های اجتماعی در این

شهر متوقف شد (جمهوری اسلامی ۹ آذر) .

" ۰۰۰ ژنرال ارشاد طی نطقی کاهزادیو بخش شد اجرای مقررات منع عبور و مرور را به مدت ۱۴ ساعت در روز در سراسر کشور اعلام کرد " (کیهان ، ۸ آذر) .

سناریوی سرکوب خونین جنبش مردم که بنا بر منع فعالیت سیاسی احزاب مترقی همراه

بود (کیهان ۸ آذر ماه) با اخراج عده ای از دبیرات های اتحاد شوروی از این کشور تکمیل گردید . بیهوده نیست که مقامات بنگلادش با استقبال گرم از آقای ولایتی ، حق استادی ! راستگرایان ج ۱۰ - ۱ را پاس می دارند ! سرمد لزان ج ۱۰ ، سرانجام در امر " صدور " مظاهر حاکمیت خود به " سایر کشورها " ، موفق می شوند !

آقای مشاور وزارت کار از کدام قرن خواب آلود چشم به دنیای امروز گشوده اند؟

در دومین روز سمینار مدیران و رؤسای ستادی و اجرایی وزارت کار ، مشاور آموزش فنی و حرفه ای این وزارتخانه ، در رابطه با برنامه های وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه آموزش فنی و حرفه ای گفت :

" بر اساس طرحی که در دست تکمیل می باشد با احیاء روشهای طلبگی و " استاد و شاگردی " در آموزش فنی و حرفه ای می توانیم نیازهای صنعتی کشور را بر طرف نمائیم . " (اطلاعات - ۶ آذر) .

در واقع باید پرسید آقای مشاور آموزش فنی و حرفه ای و وزارت کار از کدام قرن خواب آلود چشم به دنیای امروز گشوده اند ؟ آیا سطح پیشرفت صنعت در کشور ما ، به آن حد تولید صنایع دستی و ۰۰۰ که با روش های سنتی انجام می گیرد ، بازگشته که بتوان " نیازهای صنعتی کشور " را با " احیاء روش های طلبگی و استاد شاگردی " بر طرف کرد ؟ آیا می توان با اتخساز

چنین سیاست هایی به " خودکفایی " رسید و به سطح پیشرفت های روز افزون فنی و تکنولوژیک

کشورهایی که نظام تولیدی و صنعتی خود را با ماشین های پیچیده کامپیوتری و دستگاه های عظیم تنظیم گرد اداره می کنند ، دست یافت ؟ اعمال چنین سیاستی نه در جهت بر آوردن " نیازهای صنعتی کشور " ، بلکه در راستای تحدید دامنه پیشرفت و کند کردن آهنگ ناگزیر تکامل نیروهای تولیدی حرکت می کند که در کنار خود فقر فرهنگی ، فنی و تکنیکی را نیز دامن خواهد زد .

حزب توده ایران ، که همواره تأمین تسامی حقوق کارگران را سرلوحه خود قرار داده ، به منظور شکوفا ساختن استعداد های نهفته کارگران ، به امر آموزش فنی و حرفه ای آنان توجه خاصی مبذول داشته است و در برنامه خود ، آشنا شدن و گذراندن دوره های تخصصی و فنی را برای کارگران ، امری الزامی و ضروری دانسته است . ما در پیشنهاد های خود بر کارآموزی کارگران در مجتمع های بزرگ صنعتی و آموزشی نحوه کار با دستگاه های پیچیده ، تولیدی و کسب مهارت در آن ها را مورد تأکید قرار داده ایم . گذراندن دوره های تخصصی ای که با تأمین حقوق کارگران و آموزش شوریک آنان همراه باشد و آشنائی با پیشرفته ترین دستگاه های تولیدی ، تنها بخشی از این برنامه عظیم آموزشی است . کارگران آگاه ما ، که به تجربه دریافته اند بدون دانش فنی و حرفه ای هم خوان با سطح پیشرفت تکنولوژیک امروز جهان نمی توان در عرصه صنعت و خودکفایی ، به پیشرفتی دست یافت ، خوب می دانند " احیاء روش های طلبگی " و " استاد شاگردی " به منظور بر آوردن " نیازهای صنعتی کشور " ، طرح بی پایه و بی نتیجه ناپذیری است که در اساس برای شانه خالی کردن از پاسخگویی به نیازها و خواست های مترقی طبقه کارگر ایران شکل می گیرد .

بودجه سال نو: نه استقلال، نه رفاه!

بقیه از صفحه ۱
دولت و بودجه سال نو، تلاشی مذبحخانه برای جعل واقعیات و فریب مردم است.

در برنامه پنج ساله، سهم "بخش خصوصی" در سرمایه‌گذاری در صنعت و معدن ۴۹ درصد کل سرمایه‌گذاری در این بخش است که نسبت به زمان شاه ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. صنایع ایران هم اکنون، به ویژه از نظیر مواد خام، وسایل یدکی، تکنولوژی به گفته وزیر صنایع تا ۸۰ درصد وابسته به خارج است (اطلاعات - ۱۰ مرداد ۶۱). تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که بخش خصوصی، علاقه ویژه‌ای به سرمایه‌گذاری پرسود در صنایع مونتاژ و کالاهای مصرفی با دوام و کم دوام دارد. بودجه سال نو، این روند را شکل می‌دهد. اما افزون بر این، در بودجه سال ۶۳ تبصره‌ای گنجانده شده است که بر اساس آن:

"شوراهای برنامه ریزی استان اگر طرح‌های تولیدی را در استان واجد شرایط بدانند (به‌ویژه اگر این طرح‌ها بسیار مهم و اساسی باشد و استراتژیک باشد)" از بانک استان بخواهند به بخش خصوصی وام بدهد" (بانکی همانجا).

به این ترتیب، امکانات سرمایه داران بزرگ برای افزایش سهم خویش در سرمایه‌گذاری صنعتی ۸۰ درصد وابسته، یا در اختیار گذاشتن بخشی از ثروت مردم افزایش می‌یابد.

سرمایه‌گذاری دولتی در بخش صنعتی در سال ۶۳ نیز، به طور عمده به ادامه پروژه‌های پرخرج و وابستگی آفرین رژیم شاه (پتروشیمی ایران و ژاپن - فولاد مبارکه ایران و ایتالیا - خودروسازی ایران و کمپانی انگلیسی - آمریکایی تالیوت ۰۰۰) اختصاص دارد.

بازارهای کشور ما، بیش از پیش از کالاهای امپریالیستی انباشته می‌شود. نخستین آمارها، بیانگر آنند که بیش از ۲۰ میلیارد دلار از مجموع ۲۳ میلیارد دلار واردات کشور از کشورهای امریالیستی و وابسته به امپریالیسم خریداری می‌شوند. برای واردات این کالاهای بخش بزرگی از درآمد نفت به صورت ارز دولتی در اختیار بازاربان بزرگ قرار داده می‌شود. بازاربان "حزب الهی" سهم اصلی را در توزیع تقویم با احتکار و گران فروشی کالاهای وارداتی و داخلی به عهده دارند. آنان گردانندگان اصلی بازار سیاه پر روتی سراسر کشور هستند. از ناحیه آنانست که به اعتراف نخست وزیر:

"امروز تلاش منظمی برای سست کردن مختصر نظارت و کنترلی که دولت بر روی کالاهای اساسی دارد به عمل می‌آید (نخست وزیر - همانجا).

حاکمیت راستگرا و تسلیم طلب ج.ا.و، در حالیکه راه را برای توسعه فعالیت انگلی آلمان بیش از پیش باز می‌کند و گام به گام در برابر

آنان عقب می‌نشینند، باز نمسوره و نفرین واستغاه خواستار رعایت عدل و انصاف اسلامی از آنان است.

به این ترتیب بودجه سال نو، در عرصه تولید صنعتی و واردات و توزیع کالاها، به طور عمده در خدمت منافع سرمایه داران بزرگ و نوسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی قرار دارد.

در بخش کشاورزی بنا بر برنامه پنج ساله اول، ۶۲ درصد سرمایه‌گذاری، از آن بخش خصوصی بود. با آغاز روند بازگرداندن زمین‌ها به دهقانان که در سال ۶۳ نیز ادامه خواهد داشت، سهم بزرگ مالکان در سرمایه‌گذاری کشاورزی و استثمار دهقانان و کارگران کشاورزی افزایش می‌یابد. این امر، بحران اقتصادی کشاورزی را به زیان کارگران کشاورزی و دهقانان بی‌زمین و کم زمین و میانه حال گسترش خواهد داد و نیاز به واردات محصولات غذایی

و کشاورزی و دامداری را که هر روز نیز نسبت به دوران شاه افزایش چشم گیری نشان می‌دهد خواهد افزود. در این مدت ۱/۵ میلیون تن گندم در سال وارد می‌شده، تبدیل به ۲ میلیون تن و سپس بیش از ۲/۵ میلیون تن در سال شده است و این یعنی فاصله گرفتن از خودکفایی و تشدید وابستگی (عضو کمیسیون برنامه بودجه مجلس - احمد زرهانی - اطلاعات، ۷ آذر ۶۲).

مانند سال جاری، ۳۰ درصد از بودجه ادامه، توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق خواهد شد. به حساب ساده، هر خانواده ۴ نفره ایرانی در سال آینده می‌بایست هر ماه، نزدیک به دو هزار تومان - بیش از حداقل دستمزد ماهانه یک کارگر - برای "گرم نگاه داشتن تنور جنگ" بپردازد. خسارت اقتصادی جنگ، تا کنون از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشته است. هر

خانوار ۴ نفره ایرانی می‌باید ۲۰۰ هزار تومان نیز برای جبران این خسارت بپردازد. ایسن کار مستلزم آنست که نزدیک به نیمی از منابع موجود نفت ایران به فروش برسد. بی‌گمان ادامه جنگ، بازمانده ثروت ملی ما را نیز به باد خواهد داد.

این ارقام تخمینی تنها بعد از اقتصاد فاجعه عظیمی را نشان می‌دهد که نخست وزیر آن را "نوعی سرمایه‌گذاری برای ملت ما و همه ملت‌های محروم جهان" می‌نامد.

کسری بودجه دولت نیز، ایجاد پیش‌بینی شده برنامه پنج ساله را در هم شکسته است. نخست وزیر و روزنامه‌های مجاز ادعا می‌کنند که کسری بودجه ۳۵۰ میلیارد ریال است. اما رقم واقعی (در صورتی که اخذ مالیات از ثروتمندان به حد نصاب برسد، امری که در جمهوری اسلامی سابقه ندارد) ۲۲۸ میلیارد ریال است که ۲۴۱/۵ میلیارد ریال از محل بودجه عمرانی جذب نشده سال ۶۲ و مابقی از محل چاپ

بی‌پشتوانه اسکناس تأمین خواهد شد. این امر به معنای تشدید سرسام آور تورم است که هم اکنون نیز برای مردم غیر قابل تحمل است. بیار این گرانی کمر شکن، بیش از پیش بردوش کارگران، دهقانان، کارمندان و زحمتکشان شهری سنگینی خواهد کرد. چرا که در سال آینده نیز دستمزد کارگران و حقوق کارمندان افزایش نخواهد یافت، و قیمت خرید محصولات کشاورزی از دهقانان تغییری نخواهد کرد. در این زمینه تنها:

"دولت ۰۰۰ برای حمایت از منافعی کارمندان و کارگران و کشاورزان و سایر اقشار مستضعف، خود را موظف می‌داند که نظارت و کنترل خود را بر توزیع کالاهای اساسی ادامه دهد، چرا که تردید ندارد اگر در این راه سست شود، بهای این دسته از کالاها نیز به همانجا خواهد رفت که قیمت برنج رفته بود و تردید ندارد که صاحبان درآمد‌های ثابت، آنچه را که اکنون اگر به سختی به دست می‌آورند، در آن هنگام به دست نخواهد آورد."

تمامی لاف و گراف‌های مشخّص سردمداران ج.ا.و در خدمت به مستضعفان، در عمل به همین محدود می‌شود که با صلح رحم و اطعام مساکین، نان بخور و نمیری در دسترس آنان قرار دهد تا از گرسنگی نمیرند و چرخ سر مایه را هم - چنان بچرخانند - هزینه‌های مربوط به خدمات و تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت ۰۰۰ یا

تغییری نکرده است و یا تا حدی افزایش یافته‌اند که پاسخگوی تورم موجود نیست. تنها افزایش نسبتا چشمگیر در هزینه بهداشت و درمان است (۳۳٪) که آن هم صرف جبران گرانی سرسام آور دارو و درمان مجروحین جنگ خواهد شد. به این مجموعه می‌بایست رقم ناچیز پرداخت صدقه، به ققاری روستاها (طرح موسوم

به شهید رجایی) را نیز افزود. سهم اصلی مستضعفان در سال آینده نیز "رنج و پردباری" خواهد بود. درخواست لقمه نانی بیشتر "رفاه طلبی" است.

همه وظیفه داریم رفاه طلبی را تشویق نکنیم و خود نیز نخواهیم ۰۰۰ به رفاه طلبی دامن زنیم.

البته در این صورت "دولت خدمت‌گزار با درک شرایط کشاورزان و کارمندان و کارگران شریف و اقشار مستضعف" که "بار تورم، کبابی و ناپایی کالاهای مصرفی اصلی را به دوش می‌کشند" و "رنج‌های فراوانی بر خود و خانواده خود هموار می‌سازند" در برابر آنان سر تعظیم فرود می‌آورد ۰۰۰ تا بتواند پی‌گیرتر و صادقانه تر از همیشه در خدمت این اقشار باشد؟! (ج.ا.و ۹ آذر ۶۲).

احیاء و نوسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی، بریاد دادن ثروت ملی در میدان‌های جنگ توسعه طلبانه، کارچاق کتی برای سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و تنظیم رباکارانه در برابر مردمی که به "رنج و پردباری" محکوم می‌شوند، بودجه سال نو، جز این به ارمغان نخواهد آورد.

"محاكمة" توده‌ای‌ها در پیدادگاه‌های نظامی، پشت درهای بسته ...

سرنوشت انقلاب با...

بقیه از صفحه ۲

انجام مید . سخن انقلاب بهمین ، بازندان و شکنجه و تیرباران ۱۰۰۰۰۰ توده‌ای تجربه اجتهامی شگرفه تری است ، که با پیروزی بازگشت ناپذیر برآمد های آینده انقلاب پیوند خواهد خورد . دشمن با سباحت و حيله گری تمام می‌کوشد ، که با از پای انداختن برخی از رهبران حزبی زیر فشار شکنجه های دد منشانه فوق مد ر ن و قرون وسطایی جسمی و روانی ، جریبان زلال تجربه اندوزی توده‌ها را گل آلود و مخدوش کند . اما ابعاد تجربه و میزان وفاداری توده‌ای‌ها بسه آرمان های انقلاب آنچنان گسترده است و جریان زوال انقلاب آنچنان رسوا است ، که این تلاش های اهریمنی نیز راه به جایی نخواهد برد .

افزایش کیفیت جنبش انقلابی و شرط نوین وفاداری به آرمانهای انقلاب

در دوره اعتلای انقلاب بهمین ، مبارزه شمر بخش در راه تثبیت و تحکیم دستاورد های انقلاب ، نیازمند تحقق دو شرط اساسی بود :

شرط اول : بسیج توده‌های میلیونی شهر و ده ، از راه ایجاد درگونی بنیادی به سود این توده‌ها

شرط دوم : اتحاد همه نیروها ... در

جبهه متحد خلق (سخنرانی در پلنوم هفدهم دنیا شماره ۲ سال ۱۳۶۰ - ص ۱۶)
 امروز جنبش انقلابی ایران ، بسه دنبال چرخش به راست بهمین ۱۳۶۱ ، خیانت حاکمیت ج ۱۰ به آرمان های انقلاب ، تجربه اندوزی شگرف توده‌ها ، زندان و شکنجه و اعدام ده ها هزار تن از توده‌ای‌ها و دیگر انقلابیون ، تعمیق شناخت گردان های مختلف جنبش انقلابی ، همراه با زوال دردناک انقلاب ، از آگاهی زرقت بقیه در صفحه ۱۶

رفیق شهید حسن حسن پور تیریزی؟! حکم " خودکشی " توده‌ای‌های زیر شکنجه به قتل رسیده؟! گورهای بی‌نام و نشان و متروک شهدای توده‌ای در " لعنت آباد "؟! ...
 واقعا سردمداران ج ۱۰ هنگام نشان دادن " رأفت اسلامی " خود ، چه چیزی برای ارائه دارند ؟ دادگاه‌های فرمایشی ای که ایمن خائنان به منافع مردم برپا ساخته‌اند ، برپایه کدام ضابطه و معیار انسانی ، قانونی ، بین‌المللی استوار شده که جرأت تحمل حضور خبرنگاران خارجی ، وکلای مدافع بین‌المللی و ناظران و نمایندگان سازمان ها و احزاب جهانی را داشته باشند؟! کدام مدرک و سند معتبری در این دادگاه‌ها ارائه می‌شود که برای عرضه آن به جهانیان ، به حضور نمایندگان افکار عمومی بین‌المللی نیاز باشد؟!
 واقعیت اینست مفاد " پرونده‌های " که بسر اساس آن ، چنین " دادگاه " های نظامی در بسته خالی از اغیاری ترتیب داده شده ، سال ها پیش تنظیم و تهیه شده است . به استناد همین " پرونده " ها ، بارها و بارها کمونیست های جهان در جایگاه " متهمین " ایستاد مانند و سپس به صندلی الکتریکی یا جوجه‌های اعدام سپرده شده‌اند ، تنها کسانی که هستی شان ، به مرگ مدافعان منافع خلق بستگی دارد و از ثروت مردم ، سهمی بیش از آنچه که درخورند آند می‌برند ، به نمایش چنین شعبده بازی‌هایی نیاز دارند ؟ وگرنه مردم آزاده و انسان دوست جهان ، بارها و بارها اعلام کرده‌اند ، نه تنها به این ترهات پاورند دارند بلکه آن را ، محکوم نیز می‌کنند . آنان می‌دانند پشت درهای بسته این " دادگاه ها " چه کسی حکمفرمایی می‌کند .

بقیه در صفحه ۱۶

بقیه از صفحه ۱
 انقلاب ، صدها حزب ، سازمان و اتحادیه کارگری مترقی و دمکراتیک جهانی ، علیه این انتقام کشی سبعمانه و محکوم ، علیه اعمال شکنجه‌های هستی سوز جسمی و روانی ، علیه شلتاق های پیدادگاه‌ها که سردمداران ج ۱۰ ، بسه پیروی از " رهنمود های " برزیسکی و با نظارت و مشورت مستقیم شخص رهبری انقلاب به راه انداخته‌اند ، به بسا خاستند و با ارسال نامه‌ها ، تلگراف ها ، مراجعه حضوری به سفارت خانه‌های ج ۱۰ ، برپایستی تظاهرات و کنفرانسهای پزشکی ، حقوقی و مطبوعاتی ، این اعمال ننگین و نفرین شده را محکوم کردند و از مراجع قضائی ، دولتی ، رهبرینی و ... پارها و به اصرار خواستند : اگر " رفتار مطوفت آمیز " شما ، هم خوان با موازین انسانی است و " اعمال شکنجه " ، شایخه‌ای پیش نیست ، بسه هیأتی بی طرف ، متشکل از پزشکان ، حقوقدانان و ناظران بین‌المللی ، برای بررسی وضع زندانیان از نزدیک ، و حضور در " محاکم " آنان اجازت ورود به ایران داده شود . " این خواست های به حق و منطقی ، همان گونه که انتظار می‌رفت ، بی پاسخ ماند!

در واقع سردمداران ج ۱۰ ، چگونه می توانستند زیر چنین " اجازت " ای را امضا کنند؟! آنها چه می‌خواستند و می‌توانستند ارائه بدهند ؟ پای تیر خورد ، پیر مرد سپید موئی را که به رفتار مغول وار مأموران گننام و با نام ج ۱۰ ، هنگام دستگیری اعتراض کرده است؟! پیکر بی جان و مد هوش کودک ۴ ساله‌ای را که از دیدن این یورش سبعمانه ، شوکه شده و هنوز قسار بسه تکلم نیست؟! دست فلج شده " جاسوسی " را که زامال دنیایندارد؟! پیدن لمس شده انسانی را که افتخار جهان فلسفه و هنر و دانش است؟! پیکر مجاله شده و سوخته رفیق شهید ریاحی د هکری؟! قلب سوراخ سوراخ شده!

تقص حق تشکیل شوراهای کارگری و ویژگی اصلی قانون "شورای اسلامی کار" است

بقیه از صفحه ۹

زمینه ها به آیت الله خمینی بسته بودند . آیت الله خمینی نیز در بسیاری از این زمینه‌ها قول های صادقی به کارگران و زحمتکشان می‌داد . ولی متأسفانه هر چه بیشتر از انقلاب ، گذشت ، همس گفتمها و وعده‌ها به عمل در آمد . کارگران و زحمتکشان ایران دولت موقت را طرد کردند نه با این امید که آنها بی خود را مخالف پروژه‌ای لبرال قلند می‌کردند سیاستی مخالف دولت موقت در پیش گیرند . کارگران هم چنین بی‌صدر را طرد کردند ، نه با این امید که مخالفان او راحت تر بتوانند " سیاست های مردمی " خود را پیاده کنند . ولی در عمل حاکمیت روز به روز بیشتر از کارگران و زحمتکشان فاصله گرفت و به همان نسبت به " بازار " و " تروریست های اقتصادی " نزدیک تر شد . کارگران و زحمتکشان بسنه قانون اساسی رای داده بودند تا اصل مردمی و دمکراتیک آن به اجرا در آید ، ولی نه تنها هیچ يك از اصول مردمی قانون اساسی به اجرا در نیامد ، بلکه تمام فشارها بر دوش کارگران و زحمتکشان ، که بار اصلی جنگ بر دوش آنان بوده ، قریبانی این جنگ ناخواسته شدند و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان فارتگر برنده اصلی . البته واضح است ، که اگر کارگران سند یگاها و هورا های مستقل و سراسری خود را می‌داشتند ، اگر آنها در اداره موسسات مشارکت می‌داشتند ، از دهنده

حکومت با شرکت های خارجی (از جمله تالیوت انگلیسی و میتسوئی ژاپنی و ...) به راحتی افشا می‌شد و انحصارات خارجی نمی‌توانستند با حبله‌های مختلف کالا های پنجل خود را با قیمت های چند برابر به ایران سرازیر کنند ، در این هنگام طبیعی بود که کارگران و زحمتکشان به سازمان های صنفی و سیاسی خود از جمله انجمن همبستگی جلب شوند . ارتجاع حاکم و حاکمیت راستگرای آن ، که خسود به ملت سیاست های ضد کارگری اش نتوانسته بود کارگران را به سوی خود جلب کند ، در این هنگام احساس خطر کرد و به سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر هجوم آورد . طبیعی است پس از این فاصله ، میبئی که بین کارگران و حاکمیت ایجاد شده ، حاکمیت دیگر کارگران را از خود نداند . یکی از جلوه‌های این امبر ، بی اعتمادی دو طرفه ای است ، که سه روز پس از تشدید می‌شود . کارگران هر چه بیشتر نسبت به حاکمیت بدبین و بی اعتماد می‌شوند . حاکمیت نیز که هیچ گاه به کارگران اعتماد کامل نداشته ، این بی اعتمادی روز افزون خود را هر روز به شکل تازه‌ای نشان می‌دهد . آنچه در طرح شوراهای صوب مجلس پیش از هر چیز میان است این بی اعتمادی حاکمیت به کارگران است . حاکمیتی که خود را به کارگران و زحمتکشان نزدیک احساس کند نیاز به این همه جوب و حماقت کفیند برای کارگران ندارد! امروز کارگران به حق می‌پرسند : چه چیزی در این ۵ ساله تغییر کرده است ، که حاکمیت از مشارکت مسا در اداره موسسات وحشت دارد ؟ چه چیزی در این ۵ ساله تغییر کرده است ، که حاکمیت از تشکل های صنفی مستقل ما وحشت دارد ؟



پاکستان به پایگاه بزرگ آمریکائی بدل شده است

دو سال پیش خبرنگار هفته نامه آمریکائی " نیوزویک " از ژنرال ضیا الحق ، رئیس جمهور پاکستان ، پرسید که آیا وی در نظر ندارد در مقابل کمک ۳ میلیارد دلاری آمریکا ، پایگاه هائی در اختیار این کشور قرار دهد ؟ وی با قیافه حق به جانب و با عصیانیت خاصی پاسخ داد : " آمریکا از ما هیچ درخواستی نکرده و ما نیز هیچ چیزی را پیشنهاد نمی کنیم " .
اوائل اکتبر امسال نیز سایر خبرنگاران آمریکائی پرسش خود را تکرار کردند . پاسخ چنین بود :

" راه حل مسائل امنیتی منطقه ، در سپردن پایگاه به کشورهای دیگر نهفته نیست " .
یک هفته پس از آن ، یک هواپیمای جاسوسی آمریکائی از نوع " موهاک " در پاکستان سقوط کرد . طبق گزارش دقیق یونایتد پرس ، این هواپیما از فرودگاه کراچی برخاسته بود . این هواپیما یکی از چهار هواپیمای جاسوسی آمریکائی بود که به سوی کره جنوبی پرواز می کردند .

اکنون دیگر پنتاگون در پایگاه های نظامی واقع در استان بلوچستان پاکستان به طور کامل مستقر شده است . بندر گواتر قرار است به یکی از نقاط مهم نقل و انتقالات نیروهای مداخله

سریع آمریکا بدل شود . جزیره مهدی کوه در نزدیکی بندر گواتر ، در حال حاضر یک پایگاه راداری بسیار عظیم نیست ، بلکه مرکز جاسوسی بسیار کار آوری هم هست که موسائیل مخابرات الکترونیکی مجهز است .

طبق گزارش روزنامه های بین المللی - ایدان هوائی (فرودگاه) دیگر نیز برای نیروی هوائی آمریکا در حال احداث است . علاوه بر ایستادولت آمریکا در پاکستان ، هدایت کمپیوتری پروازها ، انبارهای اسلحه نیروی های مداخله سریع و ... مشغول ساختن پایگاه های مجهز و مدرن دیگری نیز هست .

با توجه به این " ساخت و ساز " ها ، معنای سخنان گهر بار ضیا الحق اسلام دوست را بهتر می توان درک کرد !

برگزاری کنگره حزب کمونیست ترکیه

پنجمین کنگره حزب کمونیست ترکیه ، که در شرایط مخفی فعالیت می کند ، برگزار شد . در بیانیهای که از سوی این حزب به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز کنگره ، پنجم آن صادر شده ، آمده است :

" این واقعه (برپائی پنجمین کنگره حزب) نشان می دهد که به رغم صدمات جدی و سختی که یورش های پلیسی در ماه مه ۱۹۸۱ و پس از آن بر پیکر حزب وارد کرد ، حزب کمونیست ترکیه موفق شده است پی گیری در فعالیت های حزبی را تضمین کند " .

در جریان کنگره ، رفیق حیدر کونلو ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه ، در باره اوضاع کنونی آن کشور و جهان گزارش داد . کنگره برنامه و اساسنامه جدیدی به تصویب رساند و تمام نیروهای انقلابی کشور و اعضای حزب را به مبارزه در راه جاننشین ساختن یک حکومت ملی -

که سیاست های فرقه گرایانه و ماجراجویانه سازمان های انقلابی و تفرقه اندازی در صفوف خلق چه زیانهای فاجعه آمیزی برای انقلاب به بار می آورد ، امروز دیگرانکار نادرستی این شیوه ها در برابر مردم ناممکن است . زحمتکشسان و روشنفکران انقلابی اینک خود این زمره را سر دادمانند ، که اگر همه گردان های انقلابی که یکی پس از دیگری ، اما جدا از هم ، به وسیله امپریالیسم جهانی و متحدان و کارگزاران دخالش سرکوب شدند ، در جبهه واحدی گرد آمد بوند ، و خط مشی انقلابی یگانهای در پیش می گرفتند ، امکان موفقیت نیروهای وفادار به آرمان های انقلاب و شکست راست گرایان و تسلیم طلبان بسیار بیش از اینها بود .

تجربه اندوزی توده ها و زرفش آگاهانی زحمتکشان و سازمان های انقلابی ، پایه اعتدالی کیفیت جنبش انقلابی است . و حزب توده ایران در این عرصه نیز سهم شایسته خویش را ایفا کرده و می کند . آری : ایثار پایه تکامل تاریخ است " ، و در این راستا ، حتی یک قطره خون هیچ شهیدی و یک روز زندان و یک ساعت شکنجه هیچ انقلابی رزنده های ، به هدر نخواهد رفت !

دمکراتیک به جای رژیم نظامی حاکم بر کشور دعوت کرد . در پایان کار کنگره ، کمیته مرکزی جدیدی انتخاب شد و رفیق حیدر کونلو نیز بار دیگر به مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه برگزیده شد .

"محاكمه" توده های ها در پیدادگاه های

بقیه از صفحه ۱۵
تشکیل دادگاه های فرمایشی ، برای توده های های در بند ، چیزی جز ننگ و نفرین برای برپا کنندگان آن ها ، به ارمان نخواهد آورد . امپریالیسم و رهبران ضد بشر ج ۱۰ می توانند توده های ها را آن گونه دستگیر ، شکنجه و بازجوی کنند و این گونه به " محاكمه " بکشند ، ولی مطلقاً قادر نیستند حکم حکومتی که بشریت مترقی ، به حق در مورد آنان صادر کرده تغییر دهند . این واقعیتی است که همواره ، تاریخ داور نهایی است !

کارزار جهانی

بقیه از صفحه ۱۰
ضرورتی حیاتی است . در پایان نامه ، خواست های زیر مطرح شده است :
- آزادی فعالیت برای سازمان های دمکراتیک زنان
- آزادی بلاد رنگ کلیه زنان سیاسی زندانی
- پایان صلح آمیز جنگ میان ایران و عراق .

کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است !

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در **نسیکا گو** هزینه چاپ این شماره " راه توده " را تأمین کردند

RAHE TUDEH
No. 71
Friday, 9. Dez. 83
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90
Price: England 30 P.
West-Germany Belgium 22 Fr.
1 DM Italy 600 L.
France 3 Fr. U.S.A. 50 Cts.
Austria 8 Sch. Sweden 3 Skr.

سرنوشت انقلاب

بقیه از صفحه ۱۵
تر و گسترده تر و کیفیت والاتری برخوردار شد . است . امروز عناصر ، سازمان ها و جریان های انقلابی ، برای ادامه راه انقلاب تا به آخر ، به هوشیاری و قاطعیت انقلابی بیشتری نیازمندند . این تفاوت شرایط عینی و ذهنی جنبش انقلابی ، نسبت به دوران اعتدالی انقلاب را می توان در شرط نون زیر خلاصه کرد :
" شرط سوم ، پند آموزی نیروهای انقلابی از اشتباهات گذشته خویش و تلاش مسئولانسه و قاطع برای رفع آنها " .

اگر در دوران اعتدالی انقلاب ، سازشکاری و معاشرتگری با دشمنان انقلاب و پرچم داران تسلیم به امپریالیسم و ارتجاع اشتباه سیاسی محسوب می شد که به دشمن یاری می رساند ، امروز سازش با مسخ کنندگان انقلاب ، بیانگر تصمیم آگاهانه برای فریب توده ها و تسلیم آنان در برابر امپریالیسم و ارتجاع است .
اگر تا دیروز برای برخی چندان روشن نبود ،